

فرخنده باد شصت و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر، نوید دهنده رهایی کار از یوغ سرمایه

در صفحه ۴

امپریالیسم، شمارش معکوس خود را برای حمله مستقیم به خلیج فارس آغاز کرده است

رویدادهای هفته‌های اخیر در محله جهانی، بیانگر شد بدینسان سیاست تجار و زگران و توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا است. میدان عمل این سیاست، سه کانون عمده بحران جهانی، آمریکا مرکزی، خاور میانه عربی و خلیج فارس است. واقعیت آنست که امپریالیسم آمریکا از آستانه یورش عظیم و همه جانبه نظامی بر علیه خلقهای مستعبد شده این مناطق گذشته است.

دولت ریگان در آمریکا مرکزی یا اشغال گرنادای انقلابی و تشدید خرابکاری مسلحانه در انقلاب نیکاراگوئه و السالوادور، تهاجم نظامی خود را آغاز کرده است؛ در خاور میانه عربی، تهاجم همه جانبه به لبنان را با تهدید آشکار سوریه به تعرض نظامی تکمیل می‌کند؛ در خلیج فارس، تدارک سیاسی برای دخالت نظامی را به سرعت به پایان می‌برد. اگر امپریالیسم آمریکا موفق شود حتی بخشی از تهدیدهای خود را در این کانون‌ها، همچنانکه در سراسر جهان، به جا نهد، عجل پیشانده، آنگاه در مقیاس تاریخی، وضع جهان - در دوران حکومت رونالد ریگان - را تنها با وضع جهان در نخستین سالهای حاکمیت فاشیسم هیتلری می‌توان مقایسه کرد. چنین دروغی، تهدیدی سنگین علیه همه نیروهای هوادار صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم در جهان است. این خطر جدی و فوری است. رونالد ریگان بقیه در صفحه ۱۱

راه توده

شهر موآلان حریت‌آلین در خلیج از کشور

جمعه ۲۰ آبان ۱۳۲۱ مطابق
۱۱ نوامبر ۱۹۸۲
سال دوم، شماره ۶۷
پهلو: ۴۰ ریال

متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیا خیزیم! فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۸

افول شکوه مند گروه سوم افسران توده‌ای

مبارزی که بزرگترین گناهشان همدلی با خلق بود. آنها بی‌هراس از مرگ، لیریز از ایثار، آماده برای شهادت، با جلادان روبرو شدند. طنین گام - هایشان در راهروهای زندان، یاران زندانی را ناخواسته از خواب بیدار کرد. بیرون خبری بود، گوشها به درها قفل شد، تا آخرین پیام مسافران دیار نیستی را بشنوند. آخرین پیام بقیه در صفحه ۲

پنج مرد، پنج دلار، پنج نستوه، پنج قهرمان سحرگاه روز ۱۷ آبان ۱۳۳۲ پیکرشان بر خاک افتاد:
سرهنگ ۱۲ میرافشار بکشلو، سرهنگ محمد جلالی، سرهنگ ۲ کاظم جمشیدی، ستوان محمد باقر والس و سرگرد جعفر کیلی. ماه هنوز در آسمان تیره ۱۷ آبان سرگردان بود که جلادان به سراغ پنج مبارز رفتند، پنج

دولت خادم سرمایه‌داری

نخست وزیر پروبال ریخته، ج ۱۰-۱۰ پس از دو سال ادعای "مستضعف" خواهی، اکنون خود را به عنوان رئیس دولت، در خدمت کلان - سرمایه داران و بزرگ مالکان معرفی می‌کند! آقای نخست وزیر، بمناسبت آغاز سومین سال حیات "دولت مستضعفان" - آنطور که روزی ادعایش را داشتند - با روزنامه ج ۱۰ - پناه صاحبه نشست است. مضامین این گفتگو، گواه بارز سقوط کسانی است که خود را خدام مستضعفان، جا می‌زدند و مدعی میراث داری نظرات مترقی شهید بهشتی‌ها و با هنرها و ... بودند و اکنون بی هیچ پرده پوشی و بمنظور توجیه "کنترل نرخها" برای کلان سرمایه - داران حاکم بر سرنوشته دولت مستضعفان، دست به دامن شرایط جنگی می‌زنند و ملتسازانه از این سخن می‌گویند:

"باید اوراق اصلی، تا جنگ هست زیر کنترل دولت باشد" ... !
آقای موسوی که در این صاحبه، روی سخنش نه با زحمتکشان، بلکه با "بخش خصوصی" یعنی کلان سرمایه داران غارتگر و به ویژه سرمایه داران بازار است - که به اعتراف خود جنابشمان "ششصد میلیارد تومان نقد یتیمی در دست دارند" و می‌توانند مانند "مورد برنج" قیمت‌ها را چندین برابر بالا ببرند - با تضرع و از موضع ضعف و بقیه در صفحه ۱۵

نبرد طبقاتی و شیوه‌های آن ارتجاع به شیوه "شو"، احتیاج دارد. انقلاب به شیوه اصولی

در صفحه ۶

فریاد اعتراض سازمانهای مترقی و دموکراتیک جهانی، علیه سرکوب حزب توده ایران به اوج می‌رسد!

در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

فریاد اعتراض سازمانهای مترقی و دمکراتیک جهانی ، علیه سرکوب حزب توده ایران به اوج می رسد!

اسپانیا

طی برگزاری مراسم سالگرد تأسیس روزنامه "آوانت" ، ارگان مرکزی حزب کمونیست کاتالونیا ، که در روزهای ۱۴ و ۱۵ اکتبر (۲۲ و ۲۳ مه ماه) در بارسلن برگزار گردید ، رفیق آردیاکا ، رهبر حزب کمونیست کاتالونیا ، شخصا از غره حزب توده ایران بازدید بعمل آورد و ضمن ابراز همبستگی با مبارزات حزب ما ، پیامی بدین شرح خطاب به اعضای حزب توده ایران فرستاد:

ادامه خواهد داد و حزب کمونیست کاتالونیا ، در این راه ، همواره حامی بیدریغ زحمتکشان و کمونیستهای میهن شط خواهد بود .

در این جشن ، غره حزب توده ایران مورد بازدید دهها هزار تن از شرکت کنندگان قرار گرفت . آنان ضمن اعضای اعتراضات و انزجار شدید خود را نسبت به اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه وحشیانه رهبران و اعضای آن ، ابراز همبستگی کامل خود را با زندانیان اعلام داشتند . طی مراسم پایانی جشن ، رفیق لئوولد و

توده های حس می کنیم . در خاتمه شرکت کنندگان در جشن ، ضمن اجتماع به دور عروسک عمو سام (سمبل امپریالیسم آمریکا) که به ابتکار هواداران حزب توده ایران در بارسلن تهیه و به آتش کشیده شد ، بیانه دادند . شعارهای " مرگ بر امپریالیسم آمریکا " و " شکنجه توده های ما ، جنگ امپریالیسم ساختار ایران و عراقی و مداخله آمریکا در ایران و منطقه متوقف باید گردد ! " پرداخته ، بار دیگر نشان دادند که حزب توده ایران و اعضای در بند آن ، در نبرد حق طلبانه علیه امپریالیسم



نمایی از غره حزب توده ایران در جشن روزنامه آوانت ، در بارسلن رفیقی نشان همبستگی با توده های ایران در بند را به سینه رفیق آردیاکا نصب میکند .

پیام همبستگی رفیق آردیاکا ، رهبر حزب کمونیست کاتالونیا با حزب توده ایران

رفقای عزیز ،

حزب ما ، حزب توده ایران را به عنوان یکی از بزرگترین و مهمترین احزاب انقلابی خاورمیانه ، می شناسد و سیاست انقلابی و اصولی شط را در اوضاع پیچیده ایران ، همواره حمایت و تحسین نموده است .

در شرایط کنونی ایران ، که حاکمیت خائن ج ۱۰ ، درهای کشور را به روی امپریالیسم گشوده است ، پدیده ای است که میبایست در های زندانها و شکنجه گاهها را به روی کمو نیستیهای قهرمان باز کند . ما اطمینان داریم که طبقه کارگر رزمنده ایران ، به رهبری حزب شهدا ، حزب توده ایران ، همچنان حماسه آفرینانه ، به مبارزه دشوار و خونین خود ، جهت به ثمر رسانیدن انقلاب ملی و دمکراتیک ایران

عضو کمیته اجرائی حزب کمونیست کاتالونیا ، در نطقی که در برابر پیش از پانزده هزار تن از اهالی بارسلن ایراد کرد ، به تفسیر رویدادهای اخیر ایران نیز پرداخت و ضمن ابراز حمایت همه جانبه خود از حزب توده ایران ، چنین اظهار داشت :

" به نمایندگی از طرف کارگران و زحمتکشان کاتالونیا به حزب توده ایران ، که اعضای آن در یکی از دشوارترین و خونینترین شرایط ممکن ، به مبارزه قهرمانانه با امپریالیسم و راستگرایان حاکم درج ۱۰ ، به خاطر دفاع از منافع میلیونها تن از زحمتکشان این کشور ادامه می دهند ، درود می فرستم . ما در این لحظات حساس که شکنجه های دردناک ساخته و پرداخته شده در زندانهای " سیا " جمهوری اسلامی ، به کمک درخشان ساواک شاه ، در ایجاد وحشتناکی در مورد زندانیان توده ای اعمال می گردد ، ضمن محکوم کردن این روشها ، بیش از هر زمان دیگر ، خود را در کنار رفقای

ارتجاع تنها نیستند .

● " انجمن وکلای جوان " در اسپانیا ، متشکل از وکلای مترقی این کشور ، که بیش از هزار عضو دارد ، طی نامه ای که به سفارت ج ۱۰ ارسال گردیده است ، نسبت به اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه توده ایهای در بند ، شدیداً اعتراض نموده و از مقامات مسئول در ایران خواسته است ، هر چه زودتر امکان لازم را در اختیار هیأتی بین المللی ، مرکب از پزشکان و حقوقدانان ، جهت سفر به ایران و بازدید از زندانیان ، قرار دهد .

● خوان خوزه اوگارت ، رئیس سازمان " عدالت و صلح " و معاون صدر " شورای مدافع خلق " (شورای دفاع از قانون اساسی) اسپانیا ، یکی از عالیتیرین مراجع حقوقی این کشور ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰ در مادرید ، متذکر شده است که هیچکس به اتهام واهی جاسوسی بقیه در صفحه ۳

فردا اعتراض سازمانهای مترقی و دمکراتیک جهانی علیه سرکوب حزب توده ایران به اوج می رسد!

بقیه از صفحه ۲
که از طرف مقامات حکومتی ایران به مدافعین حقوق مردم، یعنی توده‌های های دریند واردآمده باور ندارد .

وی همچنین به این مطلب اشاره کرده است، که مقامات ج ۱۰، حتی به مفاد قانون اساسی این جمهوری نیز عمل نمی کنند . وی یادآور شده است: اعمال تصمیمات علیه حزب توده ایران، مخالف نص صریح قانون اساسی ایران است و زندانیان حتی از ابتدائی ترین حقوق نیز برخوردار نیستند این مقام برجسته دولتی در خاتمه از مقامات

آنها همچنین برخواست اعزام هیاتی جهت دیدار از مازین در بند، تأکید ورزیده اند .
اسامی این شخصیتها، به قرار زیر است :
• ماریا آنخل لویز، رئیس " کانون وکیلای جوان " • خون آگیره، معاون کانون • گریگوریو گایگو، رئیس انجمن نویسندگان اسپانیا که خود ۲۴ سال در زندان بسر برده است . • رامون ارناندز، دبیر اول انجمن نویسندگان اسپانیا • آندره سورل، نویسنده و سردبیر روزنامه " آزادی " • رودریگو رویو، نویسنده • روزا روما نویسنده • ائوخیانو سواز، نویسنده • پدروکور - دیا، نویسنده • آنتونیو فرز، نویسنده • توماس کروز، نویسنده • میگل سالابرت، نویسنده • الوی ایگلسیا، کارگردان سینما • خون ایندیو، شاعر آرژانتینی .

مسئول حکومتی ایران خواسته است، که بیه نمایندگی های صلیب سرخ، سازمان عفو بین المللی و سازمان ملل متحد اجازه دهند تا از نزدیک وضع زندانیان را بررسی کنند .

• گروهی از شخصیتهای ادبی و هنری اسپانیه طی ارسال نامه های جداگانه و اعتراضنامه های مشترکی، تنفر و انزجار خود را نسبت به روشی که حکومت ج ۱۰ بر علیه نیروهای مترقی و فیدامیر - یالیست و به ویژه توده ایها، این مدافعین سر - سخت انقلاب، در پیش گرفته است، ابراز کرده و همبستگی کامل خود را با آنان اعلام نموده اند .

هندوستان

" فدراسیون ملی نویسندگان مترقی هندوستان "، در تاریخ ۱۵ اکتبر (۲۳مهرماه) طی صدور قطعنامه های که رونوشت آن به سفارت ج ۱۰ در دهلی نوارسال گردیده دستگیری و شکنجه و آزار نویسندگان و شعرای توده ای را به شدت محکوم کرده است .

در این قطعنامه آمده است :

" نقش شوکوند و الهام بخش این نویسندگان در بسیج مردم علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و سپس در تعمیق انقلاب ایران، بر همگان آشکار است . آنها همواره در صفا مقدم مبارزات زحمتکشان برای کسب حقوق دمکراتیک و عدالت اجتماعی، مبارزه کرده اند . " فدراسیون ملی نویسندگان مترقی هند، شاهد چرخش به راست حاکمیت در ایران و قبضه مواضع کلیدی به دست مدافعین منافع کلان سرمایه - داران و بزرگ مالکان و استقرار نفوذ مجسد امپریالیسم در این کشور است .

فدراسیون در این لحظات حساس همبستگی خود را با مردم شجاع ایران و نویسندگان و هنرمندان آنان اعلام می دارد . نویسندگان هندی اطمینان دارند که مردم ایران، سرانجام، در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی پیروز خواهند شد .

اعضای فدراسیون همچنین از دولت ایسرا می خواهند، که به موازین بین المللی حقوق بشیر احترام گذارده، نویسندگان، هنرمندان و سایر زندانیان دمکرات را آزاد سازد .

• هفته نامه " جانا سکتی " در ۲۳ اکتبر (اول آبان)، به درج مقاله ای در مورد شرایط وحشتناکی که اعضای حزب توده ایران در زندان دارند، شکنجه و آزار آنان و نیز موج همبستگی بین المللی برای نجات جان آنان از چنگال درخیمان حکومتی در ایران، پرداخته و بقیه در صفحه ۱۵

افول شکوه مند گروه سوم افسران توده ای

" غصه نخورید! من، برای زندگی مردم می - میرم " .

بیست و نه سال پیش، زمانیکه درنده خوئی رژیم کودتا برای انتقام از نهضت ملی ایران، کسه حزب توده ایران و سایر سازمانهای دمکراتیک وابسته به آن در پیشاپیش این جنبش قرار داشتند به اوج خود رسیده بود، این زرمندگان راه خلق، مدافعان حقوق زحمتکشان به خاطر ایجاد شرایط " مساعد " یعنی ایجاد محیط وحشت و ارباب، در زیر شکنجه ها و در پای چوبه های اعدام جان سپردند و امروز این راه نیه تمام امپریالیسم بدست سردمداران و

بقیه از صفحه ۱
سرود حزب توده ایران، بانگ زندگی، بانگ رزم بود که از پنج حنجره همزمان، در فضا پال گشود و در قلوب همزمان بر آتش شعله ناکین و نبرد امان زد .

پنج ستاره ای که سحرگاه روز ۱۷ آبان سال ۱۳۳۳ به زمین کشیده شدند، آیه های دلآوری، پیکار جویی، امید و پایداری بودند . در روزهای غم آلودی که دشمن سیه دل، یأس و شکست نابآوری تبلیغ می کرد، آنها پیام آوران شادی و امید و شوق به زندگی و نبرد بودند . سیمای خندان و دلپذیر سرگرد و کیلی، حتی در لحظاتی که با جسمی در هم کوبیده شده از اطاق شکنجه



رفیق شهید: زین شهسوارکم محمدنادر واله

رفیق شهید سرهنگ محمدجلالی

رفیق شهید: کاظم جمشیدی

رفیق شهید سرهنگ ۲ امیرافشار بکشلو

رفیق شهید: جعفر وکیللی

دولتمردان ج ۱۰ اداه داده می شود تا بار دیگر بر دریای خون زرمندگان راه آزادی " جزیره ثبات " بوجود آورد و با آرامش خیال به غارت خود اداه دهد .

امروز، پس از گذشت ۲۹ سال که شهادت پر افتخار این مایزان توده ای می گذرد نسئیل جوان توده ایها بار دیگر پرچم خونیمسن این شهیدان را در دست گرفته و با عزمی استوار، راه حیدرها و ارانیها را اداه می دهند، باشد که این نیردستگ تاریخ را به سرانجام برسانند . آری این تاریخ خجسته خون و شهادت، رزم و ایثار تا کتون به تمامی نوشته نشده است!

به سلول انفرادی انتقال داده می شده، نه فقط مایه اعجاب دست بلکه برای دشمن نیز بهت انگیز بود .

رفیق یک روز قبل از اعدام، از جانب همه افسرانی که به انتظار شهادت بودند، به حزب خود نوشت :

" این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خود مان است . تحت درود آتشین ما را بپذیرید دیگر آن که بدانید تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم " .

رفیق شهید سرهنگ دوم کاظم جمشیدی در نامه به خانواده اش مودکا توصیه می کرد :

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

فرخنده باد شصت و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر، نوید دهنده رهایی کار از یوغ سرمایه

اهمیت تاریخی و جهانی انقلاب اکتبر

شصت و شش سال پیش زحمتکشان روسیه* تزاری به رهبری حزب لنین، بزرگترین انقلاب اجتماعی سراسر تاریخ جامعه بشری را در یک ششم کره* ارض به ثمر رساندند. انقلاب اکتبر سرآغاز رهایی زحمتکشان از بند استعمار، فقر و بیماری، بیکاری و بیسودی و انواع محرومیتها و ستم های اجتماعی و ملی بود. انقلاب اکتبر به حاکمیت طبقات استعمارگر در روسیه پایان داد و قدرت دولتی را به طبقه کارگر و متحدینش سپرد.

پیروزی انقلاب اکتبر، سرآغاز دوران تاریخی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و سرآغاز سیاست نوین بین المللی عاری از هر گونه سلطه جویی و جنگ طلبی بود.

انقلاب اکتبر، ایجاد نقطه عطفی در روند تکامل جامعه انسانی، تحقق انقلاب های سوسیالیستی در نقاط دیگر جهان و پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی - نیرومندترین تکیه گاه پیکار خلق ها علیه استعمار، ارتجاع و امپریالیسم - را امکان پذیر ساخت. انقلاب اکتبر به جنبش کارگری بین المللی نیروی تازه ای بخشید. انقلاب اکتبر و دستاوردهای سترگ آن بنیاد مادی و معنوی و سیاسی مطمئنی برای پیروزی خلق های ستدیده در مبارزه در راه رهایی ملی و نیز برای کامیابی مبارزه آنان در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پدید آورد. با پیروزی انقلاب اکتبر، برای نخستین بار در تاریخ بشر دولتی با ماهیت انترناسیونالیستی بوجود آمده که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی نیرومندی را به جانپداری معنوی و پشتیبانی علمی از منافع همه طبقات استعمار شونده و همه خلقهای آسیا، جهان، تشکیل می داد. پیروزی انقلاب اکتبر سوسیالیستی اکتبر، تنها در پیکر جنبش کارگری بین المللی روحی تازه دمید و شتابی روز افزون به آن بخشید، بلکه توده های عظیم طبقات و قشر های محروم و استعمار شونده، خلقهای محنت اسارت و پروردگی استعماری را به میدان مبارزه انقلابی فراخواند و اندیشه های انقلاب سو-سیالیستی، جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم و تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتری را با شتابی شگفت انگیز در پنج قاره جهان رسوخ داد. و به همین جهت انقلاب اکتبر در عین حال سرآغاز یک انقلاب عظیم اندیشه ای در جامعه بشری، پیروزی درخشان جامعه ستمی انقلابی و پیروزی تئوری مارکسیسم-لنینیسم به مثابه بنیاد ایدئولوژیک و تئوریک این رویداد بی نظیر جوامع بشری است.



شصت و ششمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، سرآغاز دوران نوین در جامعه بشری را به حزب لنین و تمام رزمندگان راه سوسیالیسم علمی در جهان صمیمانه تبریک می گوئیم و پیروزیهای درخشانتری را برای سازندگان کمونیسم آرزو مندیم. «راه توده»

انقلاب اکتبر و ایران

این واقعه بزرگ تاریخی فصل کیفیتا نویسی از مناسبات میان دو کشور گشود. انقلاب کبیر اکتبر برای میهن ما ایران، به تصدیق دوستان و حتی دشمنان این انقلاب، یک حادثه مثبت، رهایی آور و سعادت بخش بود. دولت کارگران و دهقانان اتحادشوری که در نتیجه پیروزی انقلاب، قدرت سیاسی را به دست توانای خود گرفته بود، بلافاصله پس از کسب قدرت، سیاست غارتگرانه و اسارتبار تزار و سرمایه داران روسیه در مورد ایران را رد کرد و مناسباتی مبتنی بر اصل برابری حقوق، عدم مداخله در امور داخلی، محترم شمردن استقلال ملی و حق حاکمیت ایران و همکاریهای دوستانه میان دو کشور بر اساس حسن همجواری را برقرار ساخت. دولت تازه تأسیس شوراها، با پیروزی از این خط مشی، تمام پیمانها و قراردادهای محرومانی را، که دولت تزاری و دولت موقت بورژوازی به منظور استعمار هر چه بیشتر ایران و لنگ مال کردن حقیق

ملی ایران، به میهن ما تحمیل کرده بودند، ملغی اعلام کرد. قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ دایر بر تقسیم ایران میان امپریالیسم انگلستان و تزارسم روس ملغی شد. قرارداد اسارتبار ۱۹۱۹ دایر بر تبدیل ایران به تحت الحاقیه امپریالیسم انگلستان و نیز لغو یک سلسله امتیازات سیاسی، اقتصادی و نظامی تزارسم در ایران، لغو کاپیتولاسیون جزو این اقدامات دولت کارگران و دهقانان در همسایگی شطل میهن ما ایران بود. دولت شوراها که بشارت دهنده آزادی تمام خلقهای تحت ستم ساکن روسیه بود، تمام خلق های مسلمان روسیه و کشورهای همجوار را فراخواند تا برای بدور انداختن یوغ پروردگی ستمگران امپریالیستی، کسب استقلال ملی و برای تعیین سرنوشت خود، به دست خود به مبارزه برخیزند. در واقع سیاست دوستی دولت شوروی با ایران، آداه سیاست پشتیبانسی کمونیستها، سوسیال دیکراتهای کارگری روسیه از مبارزات مردم ایران در انقلاب مشروطه بود. بقیه در صفحه ۵

فرخنده باد شصت و هشتمین

بقیه از صفحه ۴
سیاست خارجی دولت شوروی، در مورد کشور ما، پیوسته متوجه تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی آن بود. اتحاد شوروی نه فقط ایران را از هجوم ددمنشانه فاشیسم در اثر دفاع قهرمانانه از سرزمین خویش حفظ کرد، بلکه با نقشه انگلیسی آمریکائی تقسیم ایران پس از جنگ دوم جهانی که در واقع احیاء نقشه ۱۹۰۷ بود مخالفت کرد و شکست قطعی این نقشه جنایتبار را سبب شد.

اتحاد شوروی در سالهای بحرانی بیست و یک - اوایل سی هتگی که کشور ما در تسبی انقلابی می سوخت و از این رو امپریالیستها به منظور براندازی دولت ملی دکتر صدق کشور ما را در محاصره گرفته بودند، میزان مناسبات بازرگانی خود را افزایش داد تا کشور را در افتادن به ورطه بحران عمیق اقتصادی نجات دهد. با کمک اتحاد شوروی طلسم صنعتی شدن کشور، که امپریالیسم و عمال آن در ایران عالما و عابدا در آن خرابکاری می کردند، شکسته شد و تا این تاریخ نیز آنچه که به کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در ایران ساخته شده است، اساسی ترین ارکان صنعت کشور ما را تشکیل می دهند. اهمیت ذوب آهن، ماشین سازی تیز و اراک نیروگاههای برقی، سیلوها و غیره که به کمک اتحاد شوروی احداث شده و بدون کوچکترین خللی از سوی احداث کنندگان بکار خود ادامه می دهند، شاهد مدعای ما است. تأثیر همسایگی اتحاد شوروی نه فقط در اعتلای سیاسی و اقتصادی، بلکه در بیداری کشور ما تأثیر عظیمی است. نیروهای مترقی و انقلابی ایران پیوسته از پشتیبانی مؤثر و همه جانبه دولت شوروا در نبردشان به خاطر استقلال و آزادی برخوردار بوده اند. مردم میهن پرست ما بیاد دارند که در آستانه پیروزی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران، که خطر مداخله مستقیم نظامی امپریالیسم آمریکا به منظور سرکوب خونین انقلاب افزایش بی سابقه یافته بود، اتحاد شوروی، از زبان رهبر وقت خود، لئونید برژنف، آمریکا را از دست زدن به چنین اقدامی بر خذر داشت و آمادگی مداخله خود را برای دفاع از جنبش انقلابی مردم ایران اعلام کرد. عسرم راسخ اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب مردم ایران و کمکهای شایان توجه مادی و معنوی آن به این انقلاب موجب شد تا امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان خارجی انقلاب از دست زدن به ماجرا - جوئی های ضد انقلابی و اعمال تضيیقات مادی در حق کشور ما ناتوان گردند. اتحاد شوروی در طی چهار سالگی که از انقلاب می گذرد عملا اثبات کرده است که حامی

و پشتیبان واقعی مردم ایران است و هیچ سوداگری در مناسبات آن با کشور ما وجود ندارد. در این مدت مملاین حرف دکتر صدق، که بدون حضور معنوی اتحاد شوروی، نفس کشیدن برای ایران غیر ممکن می گردد، بی



وضوح آشکار گشت و نیز حوادث ماههای اخیر در میهن ما یکبار دیگر نشان داد، زمانی که اتحاد شوروی از صحنه سیاست پیرامون ایران محو گردید، آزادی نیز از کشور ما رخت بر بست و دیو سیاه اختناق بر میهن ما مستولی گشت و راه برای ظارت بی بند و بار امپریالیسم گشوده شد. بدین خاطر امپریالیسم، سیاست ایجاد تفرقه میان ایران و اتحاد شوروی و فراهم آوردن جو کین و دشمنی میان دو کشور همسایه را در دستور روز خود قرار داد و به کمک عمال خود در میهن ما این سیاست را به سیاست دولتی حاکمیت ایران بدل کرد. امپریالیسم که از زبان برژینسکی سترن ساختن و شکست انقلاب مردم ایران را از طریق افشاندن نقطه های عدم اعتدال و نهایتاً جدائی میان دو کشور و محروم ساختن ایران از کمک و پشتیبانی سیاسی اتحاد شوروی ممکن شمرده بود، اکنون به هدف خود دست یافت. با وجود چسب شدید شوروی ستیزی - که قلب ماهیت تحولاتی که انقلاب اکتبر موجب آن گشت یکی از مختصات آنست - تمام انقلابیون ایرانی که از ایده های اکثر الهام گرفته اند وظیفه دارند با تمام نیروی خود از انقلاب اکتبر و همسر آن، اتحاد شوروی سوسیالیستی دفاع کنند و بویژه پیوند دوستی و برادری خود را با کمونیستهای شوروی تحکیم بخشند.

کمونیستهای ایرانی، چه آنهایی که در حزب کمونیست ایران و چه آنهایی که اکنون در حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) متشکل اند، همواره از پیوند دوستی و برادری با حزب لنینی چون مردمک چشم دفاع کرده اند. کمونیستهای ایران - بی شک درستی متخترند که مبارزه استقلال طلبانه و ترقی خواهانه مردم ایران و دفاع از منافع توده های زحمتکش را با دفاع از پیروزیهای انقلاب اکتبر و دستاوردهای اتحاد شوروی پیوند داده اند. حزب ما از این سر بلند است که بطور پیگیر در کنار حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار گرفته و به همراه کلیه احزاب برادر کمونیستی و کارگری در راه استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم می رزمند. در این سالگرد بزرگ، که اصالت با لحظاتی بسیار خطیری از زندگی سیاسی میهن ما همراه گشته، توده های کمونیستهای ایرانی، پیمان وفاداری خود را با پرچم سترگ و شکست ناپذیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ایده های ظفر نمون آن بار دیگر تجدید می کنند.

- برافراشته باد درفش شکست ناپذیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!
- توانمندتر باد سرزمین اکتبر، سرزمین آزادی، برابری و برادری!

«اکتبر»

مشتی که برده عاصی و خسته، گره کرد تیره شبی، قرنهای دور
پتکی به دست برده، سرمایه شد در این شب تاریک
مشتی که عاصیان را برافراشت برده به درد
بر فرق عصر زیون کوفت عالمانه، توده کار
بر راه پر شتاب جهان در کشاکش شب
«اکتبر» دوره ساز ماهی است پر فروغ
اینک، به با م توده، زحمت، شکفته به کار

ع. آزاده

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نیرومندترین و صادق ترین پشتیبانان جنبش انقلابی همه خلق های جهانند

نبرد طبقاتی و شیوه‌های آن

ارتجاع به شیوه "شو" ، احتیاج دارد ، انقلاب به شیوه اصولی

استفاده از این شیوه‌هایی دلیل نیست

بی‌علت نیست، که حاکمیت ج ۱۰۱۰ نیز که در آن با تمام ظاهر "کوچ شینی" ، ارتجاع مسلط شده است، راستگرایان قشری، نمایندگن کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، و آن دسته از واپس نگران قشری، که همزمان با تسلیم طلبان در حرف، خود را طرفدار " مستضعفان " و مبارز ضد امپریالیسم، اعلام می‌کردند و اکنون با پشت کردن به مناطق " مستضعفان " ، فقط دون کیشوت وار علیه امپریالیسم فریاد می‌زنند و با سیاست علمی - اجتماعی، نظامی، فرهنگی - خود جاده صاف کن بازگشت امپریالیسم شده‌اند، آری بی‌علت نیست، که این حاکمیت مسلط بر میهن ما نیز شیوه‌های ویژه سرکوب و حفظی را علیه خلق بکار گرفته است، که بطور سنتی شیوه‌ها و اشکال حاکمیت ارتجاع و فاعلان امپریالیسم در میهن ما بوده است و شباهت کامل با شیوه‌های رژیم سلطنتی دارد .

شبیخون‌های مغول و پادشاهان، رهگذران، دستگیری تمام اعضای خانواده " متهم " با فرزندان خردسال آنها، گروه‌نگیری و زد ویدن زنان، خواهران و برادران و حتی پدران و مادران " متهمین " ، بجای کسانی که از دستشان گریخته‌اند، تخته شلاق و دستبند قیانی، شیوه‌های شکنجه روحی و جسمی، استستی و مدرن و بالاخره شوهای سریال تلویزیونی، دقیق همان شیوه‌هایی است، که رژیم سلطنتی پرافتاده به دست‌خلق نیز اعمال کرد و " شمرش را بر گرفت " ! در واقع آن نظام فرتوت ناگزیر از اعمال چنین روشهایی بود، به این دلیل روشن و بی‌نیاز از استدلال که حاکمیت طاغوت، رژیمی افشا شده و در حال زوال بود .

بکارگیری این شیوه‌ها توسط رژیم شاه، تنها از سرشت پلشت او ناشی نمی‌شد، بلکه نتیجه روند اجتناب ناپذیر زوال و سقوطش در گورستان ارتجاع هم بود . رژیم شاه فقط مایل نبود، بلکه ناگزیر نیز بود به چنین شیوه‌هایی دست یازد ، زیرا سیمای کربش به آرایسه نیاز داشت .

اکنون نیز حاکمیت ج ۱۰۱۰ مجبور است با این شیوه‌ها که همچون سیلابی خونناز به چهره، فاعلان اجزائی آن عمل می‌کند، صورت خود را رنگین جلوه دهد . ج ۱۰۱۰ ناگزیر است به حیثت مخالفان سیاسی خود و مدافعان راستین انقلاب و زحمتکشان خدشه وارد سازد، به این امید واهی که کراهت سیمای خود، پس‌رقتی منطقی و بالاخره ارتجاعی بودن سیاست خود را بپوشاند، سیاستی که علیه منافع ملی ایران و منافع زحمتکشان میهن ماست! این واقعیتی است که حاکمیت ج ۱۰۱۰ پس از اینبه خیانت به خلق ناگزیر است با خون قربانیان شکنجه‌دیده خود سیمایش را رنگ ببخشد .

شوهای تلویزیونی سریال چه هدفی را دنبال می‌کند؟

این پرسشی است ، که مردم میهن ما ، هر روز صریح تر و رساتر آن را مطرح می‌کنند و با طرح آن ، سرشت بی‌پدیسل حاکمیت خفقان و ارباب حاکم پر کشور ما را آشکارتر می‌سازند!

به منظور پاسخ به این پرسش و با بررسی دقیق فنی که در این شوها ارائه می‌شود، نتایج زیرین بدست می‌آید :

۱- اولین هدفی که با تهیه و پخش " شوهای تلویزیونی " تعقیب می‌شود " القا " این " فکر " است، که گویا این " اعترافات " ، داوطلبانه انجام می‌شود و شکنجه‌های بیرمزشانه اعمال شده ، که آثار آن در همان فیلمهای تلویزیونی نیز برتن و روح قربانیانش دیده می‌شود ، - وجود خارجی ندارد .

این واقعیت که ضمن تکرار شونده اکثر " اعترافات " ، به اصطلاح نفسی این شکنجه‌ها توسط قربانیان آن است، دلیل روشن و افشا کننده‌ای بر این هدفه فسد حیوانه و در عین حال عبث است . - اعلام این جنایات که از اعتراضی همنه-گیر بشریت شرقی به نمایش های اولیه به وحشت افکار داند، برای دفاع از خود، جنایت محکوم خویش را با جنایاتی دیگر پنهان می‌کنند و به آن ناپشیمانانگه ر لعاب تازه ای می‌زنند و قربانیان خود را به نفی شکنجه و می‌دارند .

اما دم خروس آشکارتر از اینهاست؛ صرف نظر از اینکه تا کنون اسامی حداقل سه نفر از اعضا، مسئولین و رهبران حزب توده، ایران، که زیر شکنجه‌های دد-منشانه از پای درآهده‌اند روشن شده است، سردمداران و دست‌اندرکاران سرکوبگر ج ۱۰۱۰ ، خود بارها بطور ضمنی و حتی کم و بیش صریح ، به اعمال این شکنجه‌ها اعتراف کرده‌اند . - محسن رضایی ، فرمانده سپاه پاسداران در سال ۶۱ ، در جواب بقیه در صفحه ۱۴

تاریخ نبرد طبقاتی در تمام جوامع بشری، می‌آموزد که طبقات و اقشار شرکت کننده در این نبردها، اشکال عمل و پیکار ویژه خود را دارا هستند . مضامین و اشکال اعمال این شیوه‌ها ، بطور عمده در ماهیت تاریخی طبقات شرکت کننده در این نبرد سرنوشت ساز، ریشه دارد .

اگر نیروهای انقلابی و بالنده برای دستیابی به اهداف انقلابی خود، از شیوه‌های اصولی ، انقلابی و منکی به اخلاق انقلابی استفاده می‌کنند ، نیروها به ارتجاعی و در حال زوال چاره‌ای نمی‌بینند جز بکار بردن شیوه‌های مذموم ، بربر-منشانه ، سرکوبگرانه و ضد اخلاقی و ضد حرمت انسانی .

ضرورت بکار بردن این شیوه‌های متضاد در نبرد طبقاتی ، از خوش فطرتی و بیاد بد طبیعتی این دو نیرو - کهن و نو - ناشی نمی‌شود، بلکه از چشمه ماهیت طبقاتی و نقش تاریخی آنها آب می‌خورد .

نیروهای ارتجاعی قادر نیستند از شیوه‌های اصولی و انقلابی و اخلاقی بهره جویند، زیرا اهداف ارتجاعی را دنبال می‌کنند . نیروی بالنده نیز، از آنجائی که آماجهای انقلابی را بی‌می‌گیرد، خود بخود ناگزیر است به شیوه‌های اصولی پای بند بماند و تنها با ترک مواضع انقلابی است که به سوی اعمال شیوه‌های غیر اصولی و غیر انقلابی و ضد اخلاقی و ضد انسانی گرایش می‌یابد .

شیوه نبرد

برای روشن تر شدن بحث، بجاست که چند نمونه مشخص را بررسی کنیم: ماهیت طبقاتی و اشکال و شیوه‌هایی که فاشیست های آلمانی دارا بودند و به کار می‌بردند، امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست!

یورش شبانه و بربر منشانه فاشیست های هیتلری به مخالفان خود، کمونیستها و سوسیال دمکرات های آلمانی و یهودیان آن کشور با نام " شب کریستال " همچون لکه ننگ ابدی " حاکمیت هزار ساله " آنان ، در تاریخ ثبت شده است . فاشیست های هیتلری در این یورش سرکوبگرانه تنها در یک شب، دهها هزار نفر را به قتل رساندند، کانون خانواده‌ها را متلاشی ساختند، زن و مرد پیر و جوان و حتی کودکان شیر خوار را به آذوقه گاههای مرگ کشاندند و قتل عام کردند . اینست شیوه نمونه وار ارتجاع و نیروی کهن، که برای بقای خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کند: شاه ایران منافع چه طبقاتی را نمایندگی می‌کرد و چه شیوه‌هایی را به کار می‌گرفت .

شیوه رژیم شاه در سرکوب مخالفان خود، که در سالهای آخر حیات ننگینش در یورش های شبانه به هر جنیدهای مشکوک می‌شد و بی محابا، پیر و جوان، زن و مرد را دستگیر می‌کرد، به سیاهچالها می‌انداخت و سرانجام بقتل می‌رساند، نیز مشخصه عملکرد و شیوه " نبرد " و " مبارزه " ارتجاع و نیروی در حال زوال است .

اکنون ضیاء الحق، این عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا نیز، که در تقلاست جوانه‌های مقاومت مردمی در مقابل امپریالیسم را با کودتای ضد خلقی خود پایمال کند جز توسل به شیوه‌های سرکوب بربر منشانه و بی‌پرده هراسان شرافت مند و میهن دوستی که از احیا، دمکراسی و عدالت دم بزند، چاره‌ای نمی‌بیند!

حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی از منافع چه کسانی و با چه شیوه‌هایی دفاع می‌کند؟

حاکمیت ج ۱۰۱۰ نیز که روزی از " سال قانون " دم می‌زد و اکنون در لباس " کوچ شینی " از وسایل و ابزار " کاخ شینان " استفاده می‌کند، به همان شیوه های سنتی ارتجاع و نیروهای کهن، برای سرکوب مخالفان خود دست می‌یازد . یورش شبانه و قانون شکنانه به حزب توده، ایران، بد رفتاری با بازداشت شدگان که با دستهای " توانا " می‌سرایان گنام " ، نیه شب، نیه لخت از بستر بیرون کشیده شدند، و روی برف، کشان کشان به زندانها برده شدند، پای پیر مردی که به بد رفتاری و بد دهنی آنان اعتراض کرده بود، تیراندازی کردند، کودکان خردسال " متهمین " را روانه سیاهچالها ساختند و بستگان نزدیک آنان را به " گروگان " گرفتند، بجای بازجوئی های متداول و منطبق با موازین انسانی، به اعمال شکنجه‌های روحی و جسمی قرون وسطایی و مدرن پرداختند، مقاوم ترینشان را زیر شکنجه به قتل رساندند و اعلام " خودکشی " دادند و شکنجه‌های وحشیانه را با نام " تعزیر اسلامی " تفسیر کردند . . . همه و همه شیوه‌هایی است که حاکمیت ج ۱۰۱۰ با سقوط به سراشیب خیانت به منافع انقلاب و خلق پدانشان توسل شده و عمل می‌کند .

«طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار» ناقص حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان است

هنگامی که در بهمن ۶۱، لایحه «شوراهای ...» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد، آقای فرج الله واعظی به عنوان سخنگوی جناح ضد شورایی مجلس و همپالکی هایشان در دیگر ارگان های اجرائی و تصمیم گیرنده، اولین و آخرین حرف خود را صاف و ساده مطرح کرد و گفت:

«به نظر من، در اینجا نیازی به تشکیل شورا نیست. در هر واحدی، افراد مسئولی هستند که به کارها رسیدگی می کنند» (اطلاعات، ۳۰ بهمن ۶۱).

به گفته آقای وزیر کار این «طرز تفکر، تنها به لیبرال ها و طاغوتی ها و ضدانقلاب ...» اختصاص ندارد. بلکه این اندیشه فراگیر «برادران خوبی» هم هست که در رأس امور قرار گرفته اند و از تصور حضور شیخی به نام شورا در نهادهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و ... دلپایشان هنوز نوزبان است. گذشته از هر چیز، در این گفته آقای وزیر کار، واقعیتی نهفته است، که توجه به آن، کارگران را از افتادن در دام «لفاظی ها» و «سخن - پردازای های» این و آن مدعی حمایت از کارگران بازمی دارد و آن اینست، که نه لیبرالها، نه طاغوتی ها، نه ضدانقلاب و نه حاکمانی که در رأس امور قرار گرفته اند، هیچیک ظرفیت تحمل وجود «شورا» و شرکت کارگران در امری، که سه سرنوشته آنان را رقم می زند، ندارند.

دل بستن به سرباهی که این طیف گسترده و ناممکن، پیش چشم آنان ترسیم می کنند، جز سر - درگمی و به بیراهه کشاندن توان انقلابی جنبش کارگری، شعر دیگری به ارمان نمی آورد. تنها نیروهایی که سرنوشته انقلاب و سرنوشته جنبش کارگری و سعادت و بهر روزی طبقه کارگر را به آرمانهای مبارزه جویانه خود بدل ساخته اند - یعنی حزب توده، ایران به عنوان حزب طبقه کارگر ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - به دلیل خصلت طبقاتی - مردمی خود، می توانند مشارکت فعال و همه سویه آنان را در تمامی شئون جامعه، جاه عمل ببخشاند و از آن به سود زحمتکشان، بهره گیرند.

عدم خواست و امکان نیروهای بینا بینسی و ضد کارگری برای پاسخ گوئی به خواستها و نیازهای این طبقه کارگران در بررسی «لویح و طرح» هائی افشاء می شود، که در طول ۵ سال اخیر توسط این نیروها و عناصر ارائه شده است:

لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارگران واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی «صوب ۳۱ تیر ۵۹ شورای انقلاب، «آئین نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف»، «صوب ۱۷ تیر ۶۰ شورای عالی کار»، «آئین نامه شورای اسلامی کارکنان صنوب شورای عالی کار ...» تصویبات و اقدامات «شورا زدایان»

وزارت کار و امور اجتماعی، «منحله» اعلام کردن های شوراهایی که با سرسختی در برابر تصویبات و اقدامات انقلاب شکنانه مدیران و مسئولین وزارت کار ایستادند و ... بسیاری دیگر از این قماش «طرح ها» و «لویح و اقدامات» بر این واقعیت انکار ناپذیر، مهر تأیید می کوبند.

روح تمامی این طرح ها و لویح از همان «طرز فکری» نشأت می گیرد که آقای وزیر کار و برادر معظمش، نماینده مجلس، عربان و آشکار باز گو کردند و چیزی جز تجاوزه حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان نیست.

«طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار» نیز که مواد اساسی و تعیین کننده آن چندی پیش به تصویب نمایندگان مجلس رسید، در واقع از چشمه همین «طرز تفکر» که بر سر آن لیبرالها و طاغوتی ها و ضدانقلاب و «برادران خوبی» که در رأس امور قرار گرفته اند، «به وحدت» رسیده اند و همه اختلافات را به کنیاری نهاده اند، آب می خورد.

جوهر اصلی «طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار» با کم و بیش تغییر در همخوانی شگفت آوری با «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان ...» که هنگام ریاست بنی صدر در شورای انقلاب، به تصویب رسید قرار دارد. هدف این «لایحه قانونی» ایجاد روشنی و صراحت در برخورد با تشکلهای صنفی و شورایی و وظایف آن ها و ایجاد شوراهای قانونی (نهادهای شورایی) در واحدهای تولیدی و ... نبود. هدف آن ایجاد سردرگمی در مسئله سازمان های صنفی و حقوق شورایی کارگران و زحمتکشان، تسداخل وظایف انجمن های صنفی و نهاد قانونی شورایی بود. «لایحه» می خواست تا با تجمع کارگرو کارفرما در یک سازمان به نام شورا، تشکلهای صنفی را از مضمون طبقاتی تهی سازد، دخالت دولت و وزارت کار و امور اجتماعی را در تشکلهای صنفی زیر عنوان شورا، قانونی جلوه دهد و نظارت کارفرمایان و دولت را بر تشکلهای کارگری مستقر نماید.

«طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار» نیز، درست همین وظیفه نامقدس را به سرانجام می رساند. اصلی ترین مواد این «طرح» که به شرح وظایف و اختیارات شورای اسلامی کار اختصاص داده شده، بیش از «لایحه قانونی ...» بنی صدر مرز تشکلهای صنفی و نهادهای قانونی شورا را مخدوش می سازد و محدودیت های بیشتری علیه تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان «وضع کرده است».

مخالفت با تشکلهای بزرگ کارگری رسانیم نفت، فولاد، مس و نظایر آن، تحت عنوان مشروط بودن تشکلهای شورایی در این رشته ها و واحد ها به اجازه هیئت وزیران، از شگردهای دیگر

«لایحه قانونی تشکیل شوراهای ...» بنی - صدری بود. در «طرح تشکیل شوراهای ...» نیز چنین هدف شومی بر آورده شده ولی چون گنجانیدن چنین مادهای، حتی در «لایحه قانونی» اعتراض یکپارچه کارگران مبارز این نهاد های صنعتی و تولیدی را سبب شده، این بار «تدوین کنندگان» طرح تشکیل شوراهای ...» با شگردی جدیدتر، پا به میدان نهاده اند و با قائل شدن «زمان» برای تشکیل شوراهای ...» در شرکت های بزرگ دولتی از قبیل شرکتهای تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع من ایران ...»، آنها هم به «تشخیص شورای عالی اسلامی کار»، عملاً تشکیل شوراهای را در این مجتمع های بزرگ صنعتی و تولیدی به عهده «مجال» وا گذاشته اند و آن را تحت عنوان تبصره ماده ۱۵ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسانده اند!

مغایرت این مواد با اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ انکار ناپذیر است: اصل ۲۶ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ مقرر می -

دارد: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

اصل ۱۰۴ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ نیز هم چنین حاکمیت:

«به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشا و رزی شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهای مرکب از نمایندگان اعضا این واحدها تشکیل می شود».

چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کند. چنانکه در اصل ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ دیده می شود، حق تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان و حق شورایی آنان، حاوی مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی - خدماتی به صراحت و روشنی تمام در قانون اساسی انعکاس یافته و رسمیت پیدا کرده است. این دو اصل را می توان سرفصل دستاورد های کارگران و زحمتکشان از پیروزی انقلاب دانست. اهمیتی که بویژه کارگران و زحمتکشان برای رعایت کامل این اصل قائلند، درست از همینجا ناشی می شود.

اشاره :

رفیق فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پرسش و پاسخی که به تاریخ شهریور ماه ۶۲ صورت گرفته و تحت عنوان "مسائل انقلاب و مواضع ما" به چاپ رسیده، گریه تریس مسائل حاد جامعه ما را مورد بحث و بررسی قرار داده است. فهرست مطالب این جزوه عبارتند از: سمت و ماهیت تحول / علل و عوامل تحول / چشم انداز چشمه متحد خلق / امپریالیسم و سوسیالیسم، مسئله جنگ / یورش به حزب توده - ایران / مردم در برابر سیاست راست چه خواهند کرد / ۴۰۰۰

"راه توده" به منظور آشنایی خوانندگان خود با مواضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به تدریج، مطالب این جزوه را به چاپ می‌رساند:

متحد شویم! درد

مسائل

فرخ نگهدار، دبیر اول

است. حکومت ایران موافقت کرده است که بازار ایران از نو ترقی‌گاه و نیول انحصارات امپریالیستی گردد. در ماه‌های اخیر نمایندگان انحصارات کشورهای امپریالیستی معاملات فروش چندین میلیارد دلاری کالا با ایران داشته‌اند. امپریالیست‌های ژاپن و انگلیس و آلمان غربی و شرکای امریکایی آنان چنان لقمه چربی را باز یافته‌اند که از غادی در پوست خود نمی‌کنند (وزارت بازرگانی واردات ایران را ۲۳ میلیارد دلار در سال اعلام کرده است. بیش از ۲۰ میلیارد از این رقم از انحصارات امپریالیستی خریداری می‌شود). امپریالیست‌ها در ماه‌های اخیر موفق شده‌اند بزرگترین ضربهای که از انقلاب ایران خورده بودند را بطور قابل ملاحظه‌ای جبران کنند. اکنون شتاب گسترش واردات کالا به کشور خیره‌کننده است. سراسر جاده‌های کشور را در ماه‌های اخیر کامیون‌ها و کامیون‌ها که از غرب آمده‌اند. بنادر کشور نیز زیر بار کالاهای وارداتی از غرب حفه شده‌اند. در کمتر از ۵ سال قبل سران کشورهای امپریالیستی دنیا در گوادلوپ گرد آمدند و با تاسف بسیار پذیرفتند که در ایران رژیم را از دست داده‌اند که بهترین حافظ منافع آنان در کشور و منطقه بود. و ۳ ماه پیش از نو سران همان کشورها در ویلیامزبورگ امریکا گرد آمدند و با شادمانی اعلام کردند که سر احیاء آنچه را که پنج سال پیش در ایران از دست داده‌اند آغاز شده است. آنها در ویلیامزبورگ تأکید و تأکید کردند که تمایل حکومت ایران برای نزدیکی به غرب پاسخ مثبت دهند. آنها درباره چگونگی تقسیم لقمه لذیذی بنام بازار ایران، که آن را به تازگی باز می‌بایند به توافق رسیده‌اند. سفر اخیر وزیر خارجه ژاپن به تهران نیز برای تثبیت توافق‌های ویلیامزبورگ و تحکیم نزدیکی نامیوم جمهوری اسلامی ایران به امپریالیست‌ها صورت گرفت. استقبال گرم و صمیمانه دولت جمهوری اسلامی ایران از وزیر خارجه ژاپن به اندازه کافی گویاست به بلندپایه‌ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران از نماینده امپریالیسم ژاپن و سخنگوی امپریالیست‌های جهان مانند یک "دوست مطمئن" استقبال کردند و با مراحات اعلام داشتند که دشمنان مشترک و منافع مشترک رژیم‌های دو کشور با بهم پیوند می‌دهد. انعکاس این واقعت تلخ در نشدید، هم‌آهنگی وهم‌سویی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با استراتژی تجاوزکارانه امپریالیست‌ها در منطقه آشکارا مشهود است. اکنون این هماهنگی دیگر به شرکت فعال جمهوری اسلامی ایران در جنگ اعلام شده امپریالیست‌ها علیه انقلاب افغانستان محدود نمی‌شود. با بالا گرفتن موج مبارزات مردم پاکستان علیه رژیم ضیاالحق که پایه‌های حکومت امریکایی‌اش را به لرزه درآورده، جمهوری اسلامی ایران رسماً "و صراحتاً" به کمک رژیم ضیاالحق که زاندارمی منافع امریکا در منطقه را بمهده دارد شتافت. مجلس مهلت بازپرداخت وام ۵۸۰ میلیون دلاری بگه شاه سابق به رژیم ضیاالحق داده بود تعدید کرد و در حقیقت اکثریت مجلس تصمم گرفت به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه دهد تا در کنار رژیم ضیاالحق و دولت ریگان، در سرکوب مردم پاکستان بطور رسمی شرکت کند. . . . حکومت ایران در ماه‌های اخیر بطور آشکار حداکثر تلاش خود را بکار برده است که مناسبات با اتحاد شوروی را تیره سازد. اخراج دیپلمات‌های هیات نمایندگی اتحاد شوروی، جایگزین کردن شمار مرگ بر شوروی بجای مرگ بر امریکا و موج تبلیغات مسموم علیه اتحاد شوروی در رسانه‌های گروهی نمودهای بارز تغییر جهت سیاست کشور در دوستی با امپریالیسم و تشدید ضدیت با سوسیالیسم است. حکومتی که تا چندی پیش می‌گفت "در این انقلاب شیطان بزرگ امریکا است" "هرچه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید" امروز رسماً "اتحاد شوروی را بدتر از امریکا و انگلیس معرفی می‌کند".

اکنون حملات، اعتراضات، انتقادات و افشاکاری‌ها علیه عمال رژیم شاه و سردمداران جریان‌های دست راستی طرفداران پرو پا

... از اینکه در اجرای تصمم رفقای کمیته مرکزی این امکان دست داد که برای تشریح مواضع سازمان پیرامون مهم‌ترین مسائل و رویدادهای کشور به پرسش‌هایی پاسخ بگوییم که محول و حوش این مسائل و رویدادها طرح شده و اتفاقاً خوشحالم. قرار ما اینست که این کار تا هر زمان که ضروری است ادامه یابد. این نوع گفتگوها که وسیله مناسب و موثری برای ارتباط با نیروهای پیشرو جنبش انقلابی است باید بتواند ما را در تحلیل رویدادهای سیاسی و تدوین سیاست انقلابی یاری دهد. اکنون بیش از هر زمان دیگر لازم است که نظر و تحلیل سازمان درباره مهمترین مسائل و رویدادهای کشور بگوش مردم، بویژه نیروهای پیشرو برسد. سازمان ما در موقعیتی قرار گرفته است که مسئولیت بسیار سنگینی در این عرصه برعهده اوست، ما قادریم و باید از عهده این مسئولیت تاریخی با سری افراشته بدر آئیم.

پرسش: در کشور یا در ماه‌های اخیر تحولات بسیار مهمی رخ داده است. نظر شما درباره این تحولات و بی‌آمدهای آن چیست؟

پاسخ: در پاسخ به سؤال ابتدا باید تأکید کم دست راستی‌های حکومت و بویژه همه کسانی که سیاست خود را تغییر داده و جانب راستگرایان را گرفته‌اند سعی زیادی دارند که مردم نفیمنند در ماه‌های اخیر در سیاست حاکم بر کشور یک چرخش کامل به سمت راست، به طرف نزدیکی با امپریالیسم و دوری از جنبه ضدامپریالیستی و در جهت تثبیت نظامات غارتگرانه سرمایه‌داری در کشور ما صورت گرفته است. اما این سازشکاران و تسلیم‌شدگان چه بخواهند و چه نخواهند واقعات عینی و انبوه رویدادها مشت آنها را باز خواهد کسرد. واقعات و رویدادها اجازه نمی‌دهند مردم گول بخورند. مردم می‌بینند کشور را به کدام طرف می‌کشند. انقلاب ما بزرگتر و پرشکوه‌تر از آنست که بتوان یک شبه و دور از چشم مردم سران رازیر آب کرد. آنچه در ماه‌های اخیر در میهن ما گذشته است، به همان اندازه که انقلاب را به سمت نابودی برده است شت عاملین این فاجعه را باز و آبرو و حیثیت آنانرا از بین برده و خشم و تأثر مردم را برانگیخته است. اهم این رویدادها کدامند؟ قوانین مربوط به بارگانی خارجی و تقسیم اراضی و دیگر قوانین که جنبه مترقی داشته‌اند همگی رد شده‌اند. هر قانونی که به نحوی برای بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران سودمند نباشد در شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده می‌شود. اکنون دیگر عناصر صادق حکومت هم آمیدی ندارند که در وضعیت فعلی هیچ قانونی به نفع مردم تصویب و اجراء شود. در حالیکه در سه ساله اول انقلاب این امید طیف وسیعی از نیروهای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گرفت. اصول مترقی و انقلابی قانون اساسی که توسط نیروهای مدافع زهمیری کشنده همین جمهوری تدوین شده به تصویب مردم رسیده است از جانب شورای که خود را نگهبان قانون اساسی می‌نامد با صراحت و خون‌سردی لگدمال می‌شوند. بر اساس فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی، که ظاهراً "در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های فردی اعلام شده بود، میلیاردها اموال صادره شده عمال رژیم سابق و طاغوتیان فراری به آنان بازگردانیده شد و این بگانه اقدام عملی و مشخص ستاد بی‌گیری فرمان امام بود. سبب عدم تصیت که مردم نام ستاد بی‌گیری را "ستاد بی‌گیری مطالبات طاغوتیان" گذاشته‌اند. . . . دروازه‌های بازار ایران در ماه‌های اخیر چهارطاق بروی غرب باز شده

ع از انقلاب بیاخیزیم!

و مواضع ما

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بخش اول

سرکوب حزب توده ایران و تجدید آشکار از عناصر سرکوبگر ، حمایت از ایجاد و تشدید خصومت با اتحاد شوروی و اخراج دیپلمات‌ها ، سمت رهنمودها به شورای عالی قضائی ، تغییر سیاست دادگاههای انقلاب و بسیاری موارد دیگر نشان می‌دهد که موضع‌گیری‌های امام خمینی نسبت به آنچه که ایشان در سال‌های قبلتر اعلام و عمل کرده است دچار تغییرات فاحش و آشکار شده است ، که جهت اساسی آن تلب حمایت از نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی در حکومت و توصیه به آنان در جهت تکمیل به سیاست نیروهای دست راستی طرفدار سرمایه‌داری بوده است . این تغییر در موضع‌گیری‌های امام نقش تعیین‌کننده در تغییر تناسب نیروها در حاکمیت بود نیروهای راست‌گرا و محافظه‌کار و تسلط سیاست آنان در حکومت ایفا کرده است . این حقیقت بسیار تلخی است که بعنوان یک سازمان انقلابی ، سازمانی که به خلق خویش وفادار است ، خود را موظف می‌بینیم آنرا با مردم مبین خود در میان نهم . واقعیت اینست که در راه‌های اخیر درجه‌بندی ما در مهمترین زمینه‌های سیاست داخلی ، نظامات اقتصادی و مناسبات بین‌المللی تمام تصمیمات بود نیروهایی که از سرمایه‌داری دفاع می‌کنند و هواخواه امپریالیسم بشمار می‌روند ، گرفته شده است . واقعیت اینست که این سمت‌گیری ادامه دارد و هر روز با رویدادهای تازه‌تری تقویت می‌شود . اکنون در کشور ما یک چرخش کامل به سمت راست ، به سمت نزدیکی با امپریالیسم در جهت تثبیت و تحکیم راه رشد سرمایه‌داری انجام گرفته است . اکنون در کشور ما سیاست بورژوازی حکومت می‌کند و سیر برگشت انقلاب آغاز شده است .

درباره اینکه آیا این جهت‌گیری تا کی ادامه خواهد یافت و اینکه آیا احتمال برگشت آن بکلی منتفی است ، هنوز بطور قطعی نمی‌توان قضاوت کرد .

وظیفه مهم و درنگ‌ناپذیر هر عنصر انقلابی امروز آنست که فلبه سیاست راست و بورژوازی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ، به مثابه واقعیتی که هم‌اکنون در حال گسترش است برای مردم توضیح دهد ، مخالفت خود را با آن اعلام کند . بی‌آدمی‌های خطرناک آن را خاطرنشان سازد . ما باید با شجاعت و صراحت به مردم کشور خود و همه جهان‌نیان بگوئیم امروز سر رویدادهای در مبین ما درجه‌بندی پیش می‌رود که محرومان کشورمان و ثروتمندان کشور ثروتمندتر می‌شوند . ما باید به همگان اعلام کنیم در ایران مدافعان انقلاب مورد توهین ، تحقیر ، تهدید ، پیگرد و سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام قرار می‌گیرند و راستگرایان و عمال امپریالیسم هر روز قدرت بیشتری بدست می‌آورند .

آینده مبارزه خلق ما و آینده شخصیت‌ها ، محافل ، احزاب و سازمان‌ها و دیگر جریان‌های ضدامپریالیستی و مردمی مبین ما و حد اعتقاد مردم به آنان تا حدود زیادی به این بستگی خواهد داشت که در این برهه بحرانی از سیر انقلاب خونبار خلق چگونه عمل می‌کنند و تا چه میزان موفق می‌شوند مخالفت خود را با راهی که حکومت در پیش گرفته است به مردم اعلام کنند و در برابر آن بایستند .

پرسش: علل و عوامل این چرخش برآست را چگونه می‌توان توضیح داد؟

پاسخ: از جنبه نظری و تجربی باید گفت انقلاب ما نیز مثل بسیاری از انقلابات ملی و دموکراتیک عصر ما که با شرکت طبیف ناهمگونی از نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرند و توسط نیروهای دموکراسی ملی و انقلابی رهبری می‌شوند ، همواره با دو احتمال پیوسته و برگشت مواجه‌اند که تحقق هر یک از این دو احتمال و همچنین حد پیشرفت و حتی حد برگشت انقلاب بستگی به نبردهای سرنوشت‌ساز دارد که پس از انقلاب درگیر می‌شود .

ته امپریالیسم و بطور کلی جنبه وش شده است ، بلکه سیر اعاده ت . در پوشش تبلیغات زیر سانور بقیه که عمال کارگشته امپریالیسم و در خود سازمان داده است سیاست بان که " پست‌های کلیدی " را در .. این کارها همه در حالی انجام رستان ایران ، حزب توده ایران ، خود خواهان استقلال ، آزادی و یشی بوده است مورد وحشیانه‌ترین ها قرار می‌گیرد . رهبران حزب که ین سابقه را در مبارزه علیه رژیم مورد ناخوانمردانه‌ترین شکنجه‌ها و شود و طرفداری از آن جرمی در شناخته می‌شود . هجوم به حزب نگارترین نمود تغییر سمت سیاست تنها توده‌های ها و دیگر نیروهای قرار می‌گیرند و سرکوب می‌شوند ، ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و اجتماعی در کشور هستند و نیز می که در سال‌های قبل و پس از خلق داشته‌اند مورد اتهام قرار د .

سی‌نهادی که عمیقاً " خواهان آری است به عنوان پایگاه حکومت نایبیت آن از دولت بعنوان یک رکن کسی پوشیده نیست که حکومت اعلام می‌کرد بایه‌ایش بردوش است ، امروز خود را بیش از همه م " اعلام می‌کند (مذاکرات مجلس شی افشاگر حقایق بسیار تلخی بود ایران می‌گذرد) - کنگره حزب بور ، چندی پیش برگزار شد . امروز یت در حزب جمهوری اسلامی در روزنامه ارگان حزب جستجو شود ، ب به وجه آشکاری تسلط بلا تازع می‌دهد . اکنون در میان ۲۱ نفر می‌توان چند نفر پیدا کرد که مردمی از خود نشان داده‌اند . حزب بهترین ملاک این حقیقت ز به تصرف کلان سرمایه‌داران بازار ای ما باقی نمانده است که حزب می‌رود بازگردد .

ای اخیر شخص امام خمینی است ، نمایندگان مجلس با امام و انتشار تمام مردم فهمیدند که در اختلاف انجام با تعلق اصلاحات بنیادین مجلس راه را کرده و جانب شورای ای بعدی نشان داد که علاوه بر اختلاف میان راستگرایان و نیروهای ت است ، در سایر موارد نیز امام انقلاب در حکومت را قطع کرده و ست . تصمم و تاکید صریح امام به

با پیشرفت زمان ، تناسب نیروها در مقیاس جهانی بود نیروهای انقلاب تغییر می‌کند و این امر ، هر زمان ، بطور کلی شرایط مساعدتری برای پیشرفت انقلاب‌های رها می‌بخش بوجود می‌آورد با این حال این نتیجه‌گیری کلی ، سرنوشت فرانقلاب را مشخص نمی‌کند . سرنوشت انقلابات ملی دموکراتیک عمدتاً " به سرنوشت ستیز طبقات داخلی پس از پیروزی انقلاب بستگی دارد . تئوری بطور کلی نمی‌گوید در این ستیز که بر که پیروز خواهد شد و انقلاب پیش خواهد رفت یا برگشت خواهد کرد ، تئوری فقط تاکید می‌کند که چنین ستیزی وجود خواهد داشت و بضمون آن تعیین تکامل راه اجتماعی است . " ستیزی که سرنوشت آن در میدان مبارزات طبقات اجتماعی و در جریان سیر رویدادهای واقعی تعیین می‌شود . تئوری همچنین نشان می‌دهد برای اینکه انقلاب در مسیر پیشرفت حرکت کند لزوماً " می‌بایست نیروهای سیاسی مدافع انقلاب متحد شوند و نیروهای راستگرای طرفدار سرمایه‌داری و سازش با امپریالیسم را طرد و توده‌های وسیع خلق را متشکل کنند . برای پیشرفت انقلاب و تحقق آماجهای آن اتحاد با جنبه جهانی ضدامپریالیستی بویژه با اردوی سوسیالیزم نیز یک شرط قطعی است . همچنین برای حفظ و پیشرفت انقلاب لزوماً " می‌بایست انقلاب در جهت فرارو فیدین به یک انقلاب اجتماعی حرکت کند . بدون انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی ، اقتصادی که بتواند راه رشد سرمایه‌داری را مهار کند حفظ انقلاب غیرممکن و غیرمقدور و برگشت آن حتی است .

انقلاب ایران نیز به هیچوجه خارج از چارچوب قانونمندیهای انقلابات دموکراتیک عصر ما قرار نداشته است . این انقلاب نیز در همان آغاز با دو احتمال پیشرفت و برگشت مواجه بوده است . در این انقلاب ستیز دو خط با حدت تمام جریان داشته است . در انقلاب ما نیز مسئله اتحاد همه نیروهای خلقی و ضدامپریالیستی واتحاد آنان و مبارزه با امپریالیسم همانقدر اهمیت داشته و دارد که در سایر انقلابات مشابه . در این انقلاب نیز اصلاحات بنیادین اجتماعی اقتصادی برای مهار رشد سرمایه‌داری بویژه برای براندازی بزرگمالکی و کلان سرمایه‌داری ، این عمدترین پایگاه اجتماعی ضدانقلاب و امپریالیسم ، همانقدر در حفظ و پیشرفت انقلاب اهمیت داشته است که در همه انقلابات مشابه .

توده‌های و فدائیان تئوری سوسیالیسم علمی را راهنمای عمل خود قرار داده‌اند و در شناخت موجودیت و تحلیل و اهمیت انقلاب و در تدوین برنامه و شی انقلابی خود از همین تئوری پیروی کرده‌اند . طبق این تحلیل ، نیروهای رهبری کننده انقلاب ایران از اقشار مابنی جامعه برخاسته‌اند که تحایلات ضدامپریالیستی و مردمی در آنها غالب بوده است . این نیروها به علت ماهیت طبقاتی خود خصالت دوگانه دارند و در کنار خصیصه‌های ضدامپریالیستی و مردمی خود حامل تضایلات " سازشکارانه و جنبه‌های منفی نیز هستند . این وضعیت ستیز بی‌امان طبقات برای تعیین سمت تکامل جامعه ، برای پیشرفت یا برگشت انقلاب را بغرنج‌تر و پرتومان می‌سازد . مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و ضدامپریالیستی ، تقویت جنبه‌های مثبت و جبران نقاط ضعف آنان ، مبارزه در راه افشا و طرد راستگرایان طرفدار سرمایه‌داری و سازش با امپریالیسم ، مبارزه برای اتحاد انقلاب ایران با جنبه جهانی ضدامپریالیستی - سوسیالیسم اردوی سوسیالیسم و اتحاد شوروی بمثابة بزرگترین متحد انقلاب ایران و دوست بزرگ خلق ما ، مبارزه برای انجام تحولات بنیادین در حیات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی کشور بصورت مهار رشد سرمایه‌داری با هدف سوق کشور بطرف استقلال همه‌جانبه ملی ، آزادی و عدالت اجتماعی برای توده‌های محروم ، اساس برنامه و شی انقلابی سازمان ما است .

خوب ، حالا به اصل مسئله بپردازیم ، چرا سرنوشت انقلابی که اینهمه جانهای عزیز در راه آن فدا شده است ، انقلابی که بردستان پهنه‌بسته میلیونها کارگر و دهقان زحمتکش مبین ما شکوفه کرد و با آزاده و خواست آنان شکل گرفت ، چرا پیش نرفت و چرا در سراسیب سقوط و برگشت افتاد ؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید قبل از همه بدنبال خط شی نیروهای رهبری کننده و شرکت کننده در انقلاب و آثار و نتایج این خط شی رویم . همانطور که گفتیم از همان ابتدا این نیروها یک رشته ویژگیهای مثبت از خود نشان می‌دادند که امید به پیشرفت انقلاب را تقویت می‌کرد . از جمله قاطعیت در سرنوشتی نظام شاهنشاهی ، شناخت دشمن اصلی انقلاب ، بسیج نیروی توده‌های وسیع خلق برای اقدام انقلابی و سمت‌گیری بسود محرومان شهرها و روستاها و درجهت عدالت اجتماعی ، اما در کنار این ویژگیها ما شاهد یک رشته خصویات منفی نیز هستیم که امید به ادامه راه را کم رنگ و خطر شکست و برگشت انقلاب را تقویت می‌کند این خصویات کدامند ؟

بقیه در صفحه ۱۰

ضامن راست یادروغ بودن این خبرها کیست؟

زندانیان و جلادان ج ۱۰۱۰، همزمان با سرکوب خونین و بی محابای حزب توده ایران کارزار گسترده تبلیغاتی را نیز به راه انداخته اند که طیف وسیع پخش اراجیف و جعلیات و پراکندن شایعه را در بر می گیرد. این سردمداران هرکس را که بخواهند و بپرگونه که موافق میلشان باشد، از زن و مرد و جوان و پیر بازداشت می کنند و به فراموشخانه ها و شکنجه گاهها می فرستند و خود را هم موظف نمی بینند که مطابق مقررات قانونی و انسانی خانواده ها را از سرنوشت بستگانشان آگاه سازند. پدران و مادری که فرزندانشان ناگهان گم شده اند و کودکی که پدر و مادرشان اسیر جنگ حافظان باصطلاح نظم و قانونانند هیچ مرجعی برای اطلاع یافتن از سرنوشت عزیزان خود نمی شناسند در واقع هم چنین مرجعی وجود ندارد. حکومت "قتلشن دیوان ها" در ج ۱۰۱۰، انجام هرکاری را برای "عاملان و نوچه های" خود ممکن ساخته است. اما همه این زشتکاریها یک سو، و شایعه پراکنی عمدی در سوی دیگر همه می دانند که در زندان اوین و دیگر زندانهای ج ۱۰، بساط شکنجه علیه توده های وفاداری و مجاهد و دیگر کسانی که از منافع توده های زحمتکش خلق دفاع می کنند برپاست. بر اثر این شکنجه ها و اعدام های پنهانی بسیاری از زندانیان جان خود را از دست داده اند و می دهند. این رویدادها مخفی نگاه داشته می شود. اما گاه خود جلادان اوین، از روی قصد، درباره مرگ کسانی که می دانند هنوز زنده اند شایعه می پراکنند تا

دوست آنها را "بازی دهند" و وقتی این اخبار در همه جا بازتاب یافت آنرا تکذیب نمایند تا به خیال خود این تصور را در مردم جهان

بوجود بیاورند که هر چه در مورد زندانیان گفته فنی شود دروغ است. بقیه در صفحه ۱۱



متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیاخریم!

و تقویت بکلی غیرقابل انکار مواضع راستگرایان در حکومت چه حاصل دیگری داشته است؟ چه کسی می تواند انکار کند که اگر نیروهای خط امام دست اتحاد خود را بسوی مجاهدین و توده های ها و فدائیان دراز می کرد انقلاب تا چه حد واقعا "روشن تر شده بود و تا چه حد از مصائبی که در این چهار پنج سال برانقلاب ما گذشت، اجتناب می شد؟ بهمین دلیل است که سازمان ما همیشه این خصوصیت نیروهای حاکم را بزرگترین نقطه ضعف انقلاب دانست و بهترین تلاش را برای رفع آن بعمل آورده است.

۲- ترس از تشکل توده ها در سازمانهای فراگیر و مستقل سیاسی و صنفی توده های و جلوگیری از آن، رهبری انقلاب از توده مردم برای اقدام انقلابی دعوت میکرد، اما در طول سالهای پس از انقلاب تشکل طبقه کارگر، دهقانان و دیگر مردم زحمتکش در سازمانهای سیاسی، اجتماعی و صنفی، سازمانهایی که برگزیده مستقیم توده ها و تجلی اراده مستقل آنها باشند تقویت نمی شدند، بلکه حاکمیت عملاً "روش متلاشی کردن، عقیم کردن و "حکومتی" کردن آنها را دنبال کرده است. در انقلاب، البته کوشش می شد اراده رهبری توسط مردم جاری شود اما اجازه داده نمی شد که اراده مردم نیز توسط رهبری جاری شود، اما اجازه داده نمی شد تشکل توده های خلق رهبری را برگزینند و آنرا مطیع اراده خود سازد، توده ها بی شکل، بدون سازمان نگاه داشته می شدند. این وضعیت موجب شده بود که تا وقتی میبوند بین رهبری با مردم برقرار است انقلاب پیش رود اما وقتی این میبوند گسسته شد، مردم وسیله ای برای الزام رهبری به تصحیح مشی خود و یا ترک موضع رهبری نداشته باشند. ما پیروان مومالیسم علمی در راه تشکل همه مردم در سازمانهای برابری، بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۹
۱- امتناع از سیاست اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی، داشتن گرایش حاد و افراطی انحصارطلبانه و استقبال از تقابل و تشدید خصومت با سایر نیروهای ضد امپریالیستی بجای رهبری مبارزه در راه جلب و جذب همه آنان بسوی اتحاد بزرگ همه نیروهای ضد امپریالیستی و جبهه متحد خلق. نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی پیرو امام خمینی، در حالیکه خود در معرض توطئه های براندازی و حملات خصومت آمیز امپریالیسم و ارتجاع سرنگون شده قرار داشتند، سیاست مقاله با سایر نیروهای ضد امپریالیستی را هم دنبال می کردند. ما و توده های ما از هر امکانی برای اتحاد با این نیروها و پشتیبانی از آنان استقبال می کردیم، اما آنها از هر امکانی برای ضربه زدن به ما، افترا زدن به ما، آزار و سرکوب و زندان و شکنجه و حتی اعدام رفقای ما استفاده می کردند. رفقایی که جز کمک به خود آنها هیچ گاهی نداشتند. رهبران خط امام وقتی دیدند رهبری مجاهدین در راهی مفایر با مصالح انقلاب گام برمی دارند، نه تنها پیروی آنان در چنین منجلابی را سد نکردند بلکه به گرایشی در میان خود میدان دادند که هر چه داشت انجام داد که مجاهدین را به مواضع غلط هل بدهد تا با بهره برداری از این اشتباهات آنها را بکوبند و نابود کنند. چه کسی می تواند انکار کند که امپریالیسم ضد انقلاب و راستگرایان تنها برنده درگیری مجاهدین و خط امامیها بوده اند. این درگیری جز وارد کردن خسارات بزرگ به هردو نیرو

امپریالیسم، شمارش معکوس خود را ...

بقیه از صفحه ۱
در پاسخ به موج اعتراض جهانی بر علیه سیاست خویش که - بخش مهمی از متحدان اروپایی او را نیز در بر می گیرد - در حالیکه وقیحانه خود را ناجی بشریت از "استبداد و وحشیگری" معرفی می کرد و مردم آمریکا و جهانیان را به خونتیزی می باز هم بیشتر وعده می داد، اعلام کرد:

" ما تحت تأثیر شانتاژ هیچ کس در هیچ جای دنیا قرار نخواهیم گرفت " (فرانکفورت روندشاو - شماره ۷ نوامبر ۱۹۸۳)

روزنامه مترقی اونزره حمایت می نویسد:

" امپریالیسم آمریکا هم است، خواستهای استراتژیک - اقتصادی و سیاسی خود را در هر نقطه ای که برتری نظامی را به سود خویش می بیند به کرسی بنشاند " (شماره ۸ نوامبر ۱۹۸۳)

بدون شك در آینده استراتژی امپریالیسم آمریکا، به اوضاع خلیج فارس - که اینک یکی از کانون های اصلی بحرانی جهان است - و بویژه بر جریان جنگ خانان سوز ایران و عراق و پرورد زوال و برگشت انقلاب ایران، بیش از پیش تأثیر خواهد گذارد .

مردم ایران و جهان فراموش نخواهند کرد که حزب تسوده ایران از همان نخستین مساه های تحول ماهوی در جنگ ایران و عراق، که سه سرانجام در نخستین ماه های سال ۱۳۶۱ یسه پایمردی و فداکاری و ایثارگری زحمتکشان میهن ما و از جمله اعضا و هواداران حزب تسوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شکست نظامی همه جانبه عراق انجامید، بسا شجاعت و صراحت شایسته حزب طبقه کارگرایان، بر علیه توطئه امپریالیستی فرسایشی کردن جنگ ایران و عراق هشدار داد . اما حاکمیت ج ۱۰۱۰ که در آن زمان به جنون شوونیسیم مذهبی مبتلا شده بود، این هشدار را ندیده گرفت و جنگ را با اهداف توسعه طلبانه ادامه داد . این سیاست نادرست، به تسلط روز افزون ارتجاع بر انقلاب ایران یاری رساند و در سطح منطقه اماکنات امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را برای حمله به لبنان و تقویت صف ارتجاع در خلیج فارس گسترش بخشید .

امروز عواقب توطئه امپریالیستی جنگ فرسایشی ایران و عراق، بیش از پیش رخ می کند - راستگرایان و تسلیم طلبان حاکم بر ایران تا آنجا در فرقاب جنگ توسعه طلبانه پیش رفتند، که از یکسوی یکسال و نیم ادامه غیر ضروری این جنگ خانان سوز، تنها و تنها برای اشغال چند ده کیلومتر مربع از نواحی کوهستانی خاک عراق، بهایی معادل چند ده هزار قربانی و میلیارد ها دلار خسارت اقتصادی پرداختند، و از سوی دیگر با بی مسئولیتی سیاسی نموده و خویش، دست و پاهای محکمه پسند روز افزونی برای کارزار تبلیغاتی و جنگ روانی امپریالیستی، با هدف دخالت نظامی امپریالیسم در خلیج فارس فراهم آورده اند .

در هفته های اخیر محافل حاکم ج ۱۰۱۰ بارها و بارها تهدید کرده اند که در صورت بمبنا ران

مناضق نفتی ایران بوسیله عراق، تنگ هرمز را سد و خواهند کرد . فرمانده نیروی دریایی ایران تأکید می کند:

" ما تعزیماتی در مورد چگونگی بستن تنگه هرمز با برادرانمان در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی هوایی انجام داده ایم " (اطلاعات - ۵ آبان ۱۳۶۲)

در متن استراتژی نوین امپریالیسم آمریکا که جهان را تا لبه پرتگاه درگیری همه جانبه نظامی پیش برده است، این موضعگیری های از اساس نادرست سیاسی حتی می تواند به مثابه بهترین دستاویز برای محافل امپریالیستی عمل کنند . دستاویزی که در جهت فریب افکار عمومی جهانی و توجیه سیاست تجاوز گزانه امپریالیسم به کار می رود به راستی آیا این موضعگیری ها و تهدید ها بیانگر منافع مردم ستدیده ایران است، یا بازتاب دهنده منافع راستگرایان تنگ نظر و کوتاه بین که برای سرپوش گذاردن بر خیانت خویش نسبت به آماجهای انقلاب مردم، برای جاه عمل پوشاندن به توهمات جنون آمیز عظمت طلبانه خویش، این قمار خطرناک و پوچ را ادامه دهند، قاری که جز باخت چیز دیگری نمیب مردم ایران و خلیج فارس و خاورمیانه و جهان خواهد کرد ؟

بازتاب جهانی اظهارات غیر مسئولانه سردمداران ج ۱۰۱۰، شمعات آبی آن را قابل پیش بینی کرده است . شورای امنیت سازمان ملل متحد، در قطعنامه اخیر خود از سد و شدن آبراه های بین المللی ابراز نگرانی کرده است . فرمانده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، در یادار " جان آدانر " اعلام می کند:

" آمریکا در صورت بسته شدن تنگه هرمز (که در تأمین مواد نفتی کشورهای غرب نقش حیاتی دارد) بوسیله ایران، نیروهای خود را وارد عمل خواهد کرد " . در یادار آدانر اعلام می کند: " از آنجا که اماکنات نظامی شش کشور شورای همکاری خلیج فارس، برای جلوگیری از چنین اقدامی کافی نیست، در صورت خواهش یک یا چند کشور عضو شورا، نیروهای آمریکایی وارد عمل خواهند شد " (فرانکفورت روندشاو - ۷ نوامبر ۱۹۸۳)

از سوی دیگر بنا به گزارش رادیو اسرائیلی (۱۱ آبان) سلطان قابوس فرمانروای عمان - یکی از شش کشور عضو شورا - در صاحبمای بار روزنامه " السیاسه " گفته است:

" اگر ایران تهدیدات خود، مبنی بر بستن تنگه هرمز را عملی سازد، کشورهای جنوب خلیج فارس ساکت نخواهند نشست و آمریکا ناگزیر به دخالت خواهد شد " .

به این ترتیب دخالت نظامی امپریالیسم جهانی، پسگردگی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، اینک یک خطر جدی و فوری است . آینده نشان خواهد داد که افزایش فشار و دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا، چگونه در روند کنونی زوال و بازگشت انقلاب، حاکمیت ج ۱۰۱۰ را، که بقیه از صفحه ۱۶

ضامن راست یادروغ بودن این خبرها کیست؟

بقیه از صفحه ۱۰
جلادان ج ۱۰ - از یکسو سرسختانه امتناع می کنند که هیأتی از حقوقدانان و پزشکان با قربانیان شکنجه ملاقات کند و از وضع روحی و جسمی آنان با خبر گردد و از سوی دیگر اسیران خود را با زور و کتک و ادار می نمایند که در برابر دوربین فیلم برداری به جلادان خود دست مرزاد بگویند و وجود شکنجه و بد رفتاری را تکذیب کنند، تردیدی وجود ندارد که تا بحال ده ها تن از زندانیان توده ای در شکنجه گاهها، جان خود را از دست داده اند ولی متأسفانه نمی توان با اطمینان تأکید کرد که کدامیک از توده ای های در بند، دیگر در میان زندگان نیستند . خود جلادان و اربابان نشان بجای هر کاری، تنها به پراکندن شایعه دست می زنند .

ما به عنوان هفته نامه ای که از هر امکانی سود می جوید تا چهره جلاد و جنایتکار رژیم را افشا کند، نسبت به این " شایعات "، بی اعتنا نمی مانیم . به نظر ما، حتی شایعه ضعیف را هم باید منعکس کرد تا شکنجه گران مجبور شوند، دست خود را رو کنند .

در مورد رفیق حسین پور، شکنجه گران این " اشتباه " را مرتکب شدند که جسد بیجان او را تحویل خانواده اش بدهند . اما ظاهراً، دیگر قصد تکرار این " اشتباه در میان نیست . این جلادان، کشته شدگان خود را در گورستانهای گننام، به خاک می سپردند تا اسرار جناياتشان برای همیشه مدفون بمانند . برای کسانی هم که نمی توانند بازداشتشان را منکر شوند بهانه های نظیر، خودکشی، خوشبختی داخلی، سکه قلبی و غیره می تراشند و پس از چند ماه که کالبد زیر خاک پیوسید و دیگر نبش قبر و تحقیق پزشکی هم ممکن نبود، گوری را نشان می دهند و به این ترتیب خود را از شر " وجدان و اخلاق " و " قانون " رها می بینند! بخصوص که می دانند تهدید های دستگاه جهمنی تفتیش عقاید اسلامی " به خانواده های قربانیان اجازه نمی دهد دهان خود باز کنند و واقعیات را بگویند .

اما این دوران سپری خواهد شد و راز این جنایات هیلناک بزودی از پرده بیرون خواهد افتاد . تا آنروز ما، بنا به وظیفه افشا گرانه خود، برخی از این " شایعات " را که از منابع مختلف تأیید می شود باور و منتشر می کنیم . اگر یک یا چند " خبر " از این دست، مورد تکذیب قرار گیرد، چه باک؟! تنگ ورسوایی بر پیشانی کسانی مهر خواهد شد که برای پنهان کردن جنایات و اعمال غیر قانونی خود، زندانیان مبارز و میهن دوست را در از انظار بستگسان و نزدیکان آنها، نگاه می دارند و شایعات دروغ پخش می کنند!

در هفته ای که گذشت:

سیاست برزیسکی، دشمن اصلی اتحاد جماهیر شوروی، توده‌های ها و تمامی هواداران واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی معرفی می‌شوند.

این گونه است که - با ادعاهای بزرگ - "انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول" به مسخ کشیده می‌شود!

پایمال کردن عملی و علنی اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته با مسئولان و دانشجویان مدرسه تربیت مدرس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دیدار و گفتگو کرد. آقای رفسنجانی در گفتگوی خود با دانشجویان و اساتید حاضر در این دیدار در کنار ذکر برخی مسائل دانشجویی، چند کلمه‌ای نیز پیرامون مسائل تحصیل بانوان و استفاده از تحصیلات آنان ابراز داشت که بند بنسب آن نشانه‌ای از بی‌احترامی رئیس قوه مقننه کشور به اصول قانون اساسی کشور، حق بانوان میهن‌سازان تحصیل و آزادی انتخاب شغل است.

آقای رفسنجانی در جایی از صحبت‌های خود گفت:

"باید از بین خواهران افرادی با صلاحیت و دانشمند تربیت کنیم تا بتوانیم برای انجام کارها و خدمات اجتماعی و حتی تعلیم در سطوح پایین از آنان استفاده کنیم" (اطلاعات ۱۷ آبان ۶۲).

اینکه سیاست حاکم درج ۱۰۱۰ در باره زن و امر تحصیل زنان، و مسئله فعالیت‌های اجتماعی زنان همواره بر محور قائل شدن تبعیض در مورد آنان و کوشش برای بسته نگاه داشتن درهای جامعه به روی آنان و در نهایت توهین به حرمت زن سیر کرده است نکته تازه‌ای نیست که تازه‌عیان گشته باشد. در قانون اساسی نیز مسئله برابری حقوق زن و مرد قید نگشته و چند بند از آن نیز ناقص این مسئله است. اما این گفته‌های آقای رفسنجانی که زنان دانشمندان تنها برای "انجام کارها" و "خدمات اجتماعی" و "تعلیم در سطوح پایین" قادر می‌دانند ناقص اصولی دیگر از همین قانون اساسی است که مثلاً در اصل (۲۸) آزادی انتخاب شغل را مقرر داشته است. اما در صحبت‌های آقای رفسنجانی واقعیت دیگری نیز نهفته است که از یک سو، وضع آموزشی در میهن ما و از سوی دیگر شیوه برخورد مقامات مسئول به این وضع را نشان می‌دهد. وی در همین گفتگو اظهار می‌دارد:

دیگر سعه صدر در مورد کمبود امکانات و حتی فضای اسلامی برای تحصیل شما که باید این دوره فترت را با این سعه صدر طی کنید.

آقای رفسنجانی تحصیل بانوان را به ایجاد امکانات و فضای اسلامی ماکول می‌کند و آنان را به صبر و تحمل فرا می‌خواند. علی‌هم‌اینکه قانون بقیه در صفحه ۱۳

تسخیر لانه جاسوسی، این بزرگترین رخداد پس از انقلاب مردم میهن ما، با سیاست‌های دلجوانه خود، امپریالیسم آمریکا را به بازگشت دعوت می‌کنند.

۱۳ آبان ۵۷، روزی که در خمیان شاه - آمریکا، به منظور خاموش کردن فریاد میلیونی مردم ایران در اوج خود، دانشجویان و دانش‌آموزان را با رگبار مسلسلها در مقابل دانشگاه تهران درو کردند، تا راه انقلاب را سد کنند.

۱۳ آبان ۵۸، روزی که دانشجویان به شعارها و خواست مردم زحمتکش ما جامه عمل پوشاندند و جاسوسخانه آمریکا، این مرکز فساد و انواع توطئه‌ها بر علیه انقلاب ایران را تسخیر کردند و - ۱۳ آبان ۶۲، روزی که دولتمردان چ ۱۰۱۰ آن را به روز شوم استقبال از امپریالیسم آمریکا، بدل کرده‌اند.

اگر چه سردمداران ج ۱۰۱۰، هنوز ادعاهای هر طمطراق مبارزه ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی خود را تکرار می‌کنند، ولی همچنان و در نهان مشغول پرداخت "جرایم" "گروگان" گیری هستند، به مذاکرات و زد و بند‌های پشت پرده و آشکار با آمریکا و عالتش، "گرامت" های چند میلیارد دلاری به آنها می‌پردازند و از چپ و راست قراردادهای اقتصادی با شرکت‌های انحصاری و چند ملیتی منعقد می‌سازند تا ثروت ملی مردم را به تاراج دهند!

این حاکمان "اسلامی"، در ظاهر حتی يك گام از مبارزه با امپریالیست‌های آمریکایی عقب نمی‌کشند و در عمل به سرکوب سازمان‌های مترقی، نیز قانونی اعلام کردن آنها و شکنجه و کشتار حدها و هزاران مبارز ضد امپریالیست می‌پردازند. اکنون با گذشت ۴ سال از تسخیر لانه جاسوسی، راستگرایان حاکم برج ۱۰۱۰ همچنان می‌کوشند تا شعارهای "مرگ بر آمریکا" را کمرنگ‌تر سازند و شعارهای کینه توزانه "مرگ بر شوروی"، "مرگ بر توده‌های"، "مرگ بر خدایان" را جانشین آنها سازند، و جاده بازگشت امپریالیسم آمریکا را هموارتر کنند، و امپریالیسم را با عنوان حامی سرمایه‌داری "صالح" و سرمایه "حلال" بر مردم ایران مسلط گردانند.

اگر دانشجویان ضد امپریالیست در سال ۵۸ با گروگان‌گیری مانع از آن شدند که انقلاب تسلیم امپریالیسم گردد، اگر آنها با این اقدام خسوده، چهره امپریالیسم و یارانش را به مردم شناساندند و اگر آنها با این حرکت انقلابی، صف دوستان و دشمنان انقلاب را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی نشان دادند، امروز مدافعان امپریالیسم یار دیگر با جلب تسلیم طلبان و سازشکارانی از همان قطب با چهره‌ای "اسلامی" "ترو" "شرعی" تر از در آشتی بر می‌آیند. اگر دیروز هزاران نفر در اجتماعات گسترده، با برگزاری تظاهرات ضد آمریکایی پاسخ امپریالیست‌ها را می‌دادند، امروز به پیروی از

این جنگ خانمانسوز باز هم قربانی می‌طلبد!

شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های پیرامون جنگ ایران و عراق صادر کرد که در آن قطع فوری حمله به شهرها و نقاط غیر نظامی و همچنین تأمین کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و پایان فوری جنگ خواستار شده است. در این قطعنامه از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست شده تا در راه میانجیگری میان دو طرف منازعه برای "یافتن راه حل‌سبی عادلانه و شرافتمندانه" برای پایان دادن به این جنگ کوشش کند.

این قطعنامه در شرایطی صادر می‌شود که دامنه جنگ گسترش یافته و عملیات جنگی دو طرف شدت یافته است.

در هفته گذشته تعدادی از شهرهای مرزی و حتی چند شهر دورتر از مناطق جنگی، مورد حملات موشکی و هوایی عراق قرار گرفت. در این حملات بسیاری از هموطنان غیر نظامی ما در شهرهای مسجد سلیمان، اندیشک، بهبهان و نهاوند بر اثر اصابت موشکها به شهناادت رسیده‌اند. عراق اعلام کرد که علت شدید حملات موشکی و هوایی ارتش ایمن کشور مخالف است قطعاً ایران با قطعنامه شورای امنیت بوده و از این رو رژیم صدام به خود حق می‌دهد به این اقدامات جنایتکارانه دست یازد.

رژیم صدام و حاکمیت راستگرای ج ۱۰۱۰ هر روز پیش از پیش فرزندان دو ملت را در بارگاه قدرت و توهماات جنون آمیزشان قربانی می‌کنند. آنان، در واقع خون هزاران شهید را وشیفه تحکیم و تثبیت حاکمیت جنایتکارانه خود قرار داده‌اند. مردم عراق و ایران از آداه ایمن جنگ خانمانسوز بیشترین صدمات مادی و معنوی را می‌بینند و بدین خاطر نیز صراحتاً پایان فسوری جنگ را می‌طلبند. مردم ایران، باید به سهیم خود، بر ضرورت پایان دادن به این خونریزی‌های تأسف‌بار با فشاری کنند و به هر طریقی که ممکن است از گسترش دامنه جنگ جلوگیری کرده و بر جنگ افزوزان لگم زنند.

ما این صبیبت را به هم میهنان عزیزمان در مسجد سلیمان، اندیشک، بهبهان و نهاوند از معیم قلب تسلیم می‌گوئیم و بیطمین می‌بینیم هر آنچه در توان داریم در جهت پایان دادن این جنگ بکار گیریم.

خیانت به اهداف ۱۳ آبان ۵۸

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا، با اقدامات خصمانه علیه مردم میهن ما و دیگر نیروهای مترقی منطقه، وارد کارزار وسیعی شده است، دولتمردان و رهبران ج ۱۰۱۰ حتی در سالگرد

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

اساسی ج ۱۰۱۰ - در اصل ۳۰ خود ا ولست را به ایجاد امکانات آموزشی برای هم ملت بطور رایگان موظف می سازد .

استیضاح وزیر کشور رد شد!

هفته گذشته در " راه توده " خبر دادیم که آقای ناطق نوری وزیر کشور ج ۱۰۱۰ مورد استیضاح عده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفته بود . استیضاح کنندگان سیاه های از تخلفات وزیر کشور و وزارت خانه تحت اداره آن را ارائه داده بودند که در آن از عدم اجرای قانون بنیاد مهاجرین جنگی ، حمایت ها و انتصاب های بی مورد ، یعنی استفاده از نفوذ مقام برای جابجائی این و آن شخص " مورد اعتماد " در مقام های اجرائی و مشکلات گوناگون و متعدد در اداره امور استانها و فرمانداریها به چشم می خورد .

ما در مقاله خود یاد آور شده بودیم که این موارد ذکر شده در استیضاح نامه تنها بخش بسیار کوچکی از کارنامه سیاه این وزارت خانه و کلاه گوشهای از ظلمت دولت ج ۱۰۱۰ است .

در بحثی که پیرامون این استیضاح در مجلس صورت گرفت ، آقای پوراستاد با ستایش از قاطعیت وزارت کشور در " دفع توطئه لیبرالها " ، آقای ناطق نوری را مورد حمایت قرار داد و سپس " رشته دفاع " را به دست آقای هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، که خود زمانی مورد حمایتشان قرار گرفته بود - سپرد آقای رفسنجانی هم " نان قرض داده " را به موقع تحویل گرفت و آب پاکی به روی تخلفات آقای ناطق نوری ریخت .

پس از بحث های مخالف و موافق ، نسبت به تقاضای استیضاح آقای وزیر کشور رای گیری به عمل آمد ولی با وجود آنکه ۷۲ تن از نمایندگان مجلس به استیضاح وزیر رای دادند ، این تقاضا رد شد .

آنچه که در این " نان به وام دادن ها و گرفتنها " البته که مورد نظر قرار نمی گیرد ، منافع و " مصالح " مردم است که با چشمان بسته زده در انتظار اقدامات آقای ناطق نوری ، به عنوان وزیر کشور بحد از تحویل " چک سفیدی " که مجلس به نام او صادر کرده هستند!

هم "مستقل" ، هم بی نظیر!

آقای موسوی اردبیلی ، رئیس دیوان عالی کشور ، سه شنبه هفته گذشته در دیدار با وزیر امور خارجه و جمعی از مسئولین این وزارتخانه از جمله چنین گفت:

" دستگاه قضایی ما در نظام ج ۱۰۱۰ خوب رشد کرده بطوریکه ، الان قوه قضائیه ای در دنیا مثل قوه قضائیه ایران که مستقل بوده و تحت نفوذ هیچ قدرتی نباشد ، نداریم " .
در واقع آقای موسوی اردبیلی کاملاً درست می فرماید! ما هم معتقدیم که ج ۱۰۱۰ و قوه

قضائیه اش ، نه تنها کاملاً مستقل از قوانین قضایی شناخته شده عمل می کنند و به هیچ قانونی در این زمینه پایبند نیستند ، بلکه هر گونه اصول اخلاقی و انسانی را نیز به کنار گذاشته اند . البته که در این صورت قوه قضائیه ، نباید تحت نفوذ هیچ قدرتی باشد! آقایان دست اندر کار در قوه قضائیه ، ایران ، در اثبات بی همتا بودن خود در جهان ، از مدتها پیش تمام اصول مردمی قانون اساسی در رابطه با قطع وابستگی و آزادیهای دموکراتیک را ، که شمره خون دهها هزار شهید راه آزادی است ، در عمل نقض می کنند و هر صدای آزادی - خواهانه را در گلو خفه می سازند .

بر طبق همین سیاست مسئولین ج ۱۰۱۰ ، سیاست تفتیش عقاید را در همه ادارات و ارگان های مختلف جمهوری ، دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و . . . حاکم ساخته اند ، عناصر مترقی را به " اتهام " وابستگی به گروههای دگراندیش از صحنه خارج کرده اند ، گروهها و سازمانهای مترقی دگراندیش را وحشیانه مورد پیگرد قرار داده اند و اعضا و هواداران آنها را روانه شکنجهگاهها کرده و

سیاست قضایی ج ۱۰۱۰ ، همانطور که آقای موسوی اردبیلی می فرمایند در دنیا ، کاملاً شناخته شده و بی نظیر و مستقل است و درست به همین دلایل هم محافل آزادیخواه و مترقی جهان ، این سیاست غیر انسانی و مستقل از موازین اخلاقی و قانونی دستگاه قضایی ایران را - یسر خلاف آقایان که به آن افتخار می کنند - ، شدیداً محکوم می کنند!

"آسوده بخوابید"

در یادار حسینی ، فرمانده نیروی دریایی ج ۱۰۱۰ - در گفتگوش با مطبوعات مجاز ایران ، نظرات خود را پیرامون برخی مسائل مهم سیاسی در منطقه و حرکتهای نیروهای نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس ، اظهار داشت: یکسه بابت " تحرك و مانورهای خیلی مختصر (!) " امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند نگران نباشید! وی در پاسخ به پرسشی پیرامون حرکت نیرو های دریایی آمریکا بسوی خلیج فارس گفت:

" اینکه نیروهای آمریکا در اقیانوس هند ، در حال حاضر دست به تحرك و مانورهای خیلی مختصری زده . . . یکی از نقشه های شیطانسی - روانی است . . . "

اینکه خطر امپریالیسم آمریکا ، با نیروهای عظیم دریایی و هوایی اش در منطقه ما حتمی و جدی است بارها از طرف محافل گوناگون در منطقه مورد تأیید قرار گرفته و نسبت به آن هشدار داده شده است و ما نیز در صفحات " راه توده " بارها این مطلب را تذکر داده و همه را به هشیاری فرا خوانده ایم . با این تفاسیر ، آیا فرمانده نیروی دریایی ج ۱۰۱۰ ، که از تغییر و تحولات منطقه بخوبی آگاه است و تمام گزارشات پیرامون این اوضاع را ، قبل از هر کسی مطالعه می کند ، تا این حد ساده است ، که تدارک گسترده امپریالیسم را برای اقدامات ماسجراجوانه نظامی همانند لبنان و گرنادا نبیند ؟ آنها را

خوشبایران (؟) " مختصر " بنام ؟ و فراتر از آن ، این اقدامات را پدیده های خیلی عادی که " اغلب در مواجه با مسائل اجرا می کنند " قلمداد کنند ؟

اگر صحبت های آقای در یادار را از سراسر جهالت ندانیم ، قطعاً باید کوششی در جهت خواب کردن مردم تلقی کرد .

با این توفیق که آقای فرمانده نیروی دریایی از اوضاع می کند باید طبق گفته " پدر تاجدار " ارتشیان شاهنشاهی " گفت " آسوده بخوابید "

"طرح تشکیل شوراهای . . ."

بقیه از صفحه ۷

چنانکه در اصل ۲۶ دیده می شود ، کارگران و زحمتکشان ، ام از شافلان کاریدی یا فکری ، بدون هیچ گونه محدودیتی از لحاظ سنی ، نژادی ، مذهبی ، عقیدتی و ملیت آزادند در انجمن های صنفی خود گرد آیند و از منافع صنفی - اجتماعی خود بگویند که مغایر با " اصل استقلال " ، آزادی ، وحدت ملی ، موازین اسلامی و اساس ج ۱۰۱۰ نباشد " دفاع کنند .

انجمن های صنفی کارگران و زحمتکشان ، ضمن اینکه از منافع صنفی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان دفاع می کنند ، به نمایندگی از جانب آنان ، از حق مشارکت در نظارت و ادا و تولید اجتماعی نیز برخوردارند .

اهمیت قانون اساسی ج ۱۰۱۰ از نظر شناسائی حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان در اینست که ، در آن نه فقط حق شکل آزاد صنفی آنان به رسمیت شناخته شده ، بلکه طبق اصل ۱۰۴ حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره " تولید اجتماعی تأیید و شیوه اعمال آن نیز به صراحت و روشنی تمام خاطر نشان شده است . طبق این اصل ، کارگران و زحمتکشان از طریق انتخاب نمایندگان خود (که طبعا از جانب تشکلهای صنفی انتخاب خواهند شد) جهت تشکیل در شورا های مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران " ، حق شورایی خود را " به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برندها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی ، صنعتی و کشاورزی " اعمال خواهند نمود .

اما آنچه در " شرح وظایف " شوراها آمده است ، تنها در خدمت مخدوش ساختن مرز بین " انجمن های صنفی " و " شورا " ، به منظور زیر پا گذاشتن حق شکل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان ، طبق اصل ۲۶ قانون اساسی و نیز تحدید حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره " تولید اجتماعی " ، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، بکار گرفته شده است .

ما در دنباله بحث ، به ویژگی دیگر " طرح تشکیل شوراها " . . . که عبارت است از " تبدیل آنها به سازمانهای دولتی و شبه دولتی " و پس از آن به نقد تک تک مواد و تبصره های این " طرح " خواهیم پرداخت .

بقیه از صفحه ۶ نبرد طبقاتی و شیوه‌های آن

خبرنگاری که پرسیده بود آیا در گرفتن اعترافات از دستگیر شدگان شکنجه بکار برده شده است؟ پاسخ داد: این مسئله خیلی روشن است. (اطلاعات ۱۲/۲/۲۲) عطفه های این شکنجه‌ها مدعی اند که تکنیک و "منطق" در اختیار دارند که همه را به حرف وامی‌دارد. و این "تکنیک و منطق" را سادگی و خلوص نیت و مؤمن بودن "بازپرسان" قلمداد می‌کنند. ظاهراً صحبت از صفاتی است که فقط در پس دیوارهای ضخیم زندان این و سیاهچالهای آن حق و امکان پرور دارد، و نه در انتظار مردم و در "بحث آزاد تلویزیونی" که قادر به ادامه آن نبودند. این "منطق" و "تکنیکی" است که موازین قانونی و شرافتمندانه در چارچوب آن نمی‌گنجد. "منطقی" است که فقط با دزدیدن افراد، قطع رابطه ماه ها و سالها بین آنان و محیط خارج، چشم بستن های هفته‌ها و ماهها و شکنجه های پریشانه، در سیاهچالها "موش" است و "کارآئی" دارد. "تکنیکی" است که روح انسانهای شرافتمند را ترور می‌کند! آری این "تکنیک و منطق" قانوح شکنی، قانون جنگل است که شیوه عمل نیروهای ارتجاع و شیوه ناگزیر جریانهایی است که در حال زوال اند.

۲- دو مین هدفی که این "شوها" تعقیب می‌کنند، تمام و تثبیت قانون شکنی حاکمیت ج ۱۰۱۰ است.

حاکمیتی که قادر نبود و نیست، طبق قانون دستگیری افراد را اعلام کند، زندانیان سیاسی را از حقوق مسلم و تثبیت شده آنها در قانون اساسی برخوردار سازد و امکان ارتباط حقوقی و قانونی با محیط خارج برای آنان بپوشد آورد، چاره‌ای هم در این نمی‌بیند که "مدارک" جنایت طرح ریخته خود را به نحوی دیگر "تهیه کند". بی‌جهت نیست که محسن رضایی در پاسخ سوآلی که مدارکی دال بر جاسوسی دستگیر شدگان علیه آنان وجود دارد، می‌گوید:

"مدارک ما اولاً اقرار خود متهمین است که خیلی راحت و سریع مسئله جاسوسی را مطرح کردند" (اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت ۶۲).

با توجه به این سخنان است که نیست سیاه سازمان دهندگان شوهای سرپال تلویزیونی بر ملا می‌شود. آنها برآندند، با توسل به شیوه‌های شاهنشاهی، ارتعاب خلق و مدافعان منافع زحمتکشان - "مدارک" صدور حکم قتل قربانیان خود را دست و پا کنند.

این جنایت تاریخی، سند رسوا کننده حاکمیت ج ۱۰۱۰ است، که با افضای شیوه سرکوب خانثانه حاکمیت، علیه مدافعان منافع خلق، در عین حال بر مسلا کنند و جای این حاکمیت در نبرد طبقاتی بین خلق و ضد خلق نیز هست و اعمال کنندگان اینگونه شکنجه‌ها و سردمداران قانون شکن ج ۱۰۱۰ را به مثابه نیروهای ارتجاعی محکوم می‌کند.

۳- سومین هدفی که تهیه کنندگان این شوها بی می‌گیرند، بی اعتبار ساختن طبقه کارگر مبارز ایران و مبارزات درخشان گذشته آنها است، که تحت رهبری کمو- نیست‌های ایران، و حزب تسوده ایران - در این ۴۲ سال اخیر - پسا- خلیفتمه و ثمرات چشمگیری نیز به کف آورده است.

سردمداران ج ۱۰۱۰ به زعم خود تقلا می‌کنند با "بی اعتبار" جلسو دادن رهبران مبارزات کارگری و حزب طبقه کارگر ایران، شرایط باز پس گرفتن این دست- آوردها را فراهم سازند.

در واقع باید این شیوه جنایتکارانه را آن روی مدال پیش نویس افشاء شده قانون کار کلان سرمایه‌داران و دلالان آن دانست. در آن پیش نویس هم، در لباس "مذهب" و "شرع" کوشش شده بود این دستاوردها باز پس گرفته شوند خون‌های ریخته شده در این راه پایمال و مواضع فارتگران حاکم تثبیت گردد!

آری حاکمان مدافع سرمایه‌داران بزرگ با "تهیه و پخش این شوها" می- کوشند اعتبار اعتصابات و جانفشانی های طبقه کارگر ایران را برای دستیابی به حداقل دستمزدها، حداقل ساعات کار روزانه، منع کار کودکان و غیره، که در نبردهای چند دهه "طبقه" کارگر ایران به دست آمده است، زیر علامت سوال قرار دهند، و خیانت آشکار خود را به منافع طبقه کارگر ایران جنبه "قانونی" ببخشند.

۴- اما هدف اساسی وعده این "نمایشات"، به زیر سایه راندن زدوند ها و رفت و آمدهای است که امروز حاکمیت ج ۱۰۱۰ با نمایندگان کشورهای امپری- یالیستی برقرار کرده است.

حاکمیت ج ۱۰۱۰، به ویژه تسلیم طلبان شرکت کننده در آن، با دهها تعهد و قسم و آیه در دفاع از "کوتن نشیمان" و در مبارزه علیه "کاخ نشیمان" و نظام ضد مردمی کلان سرمایه‌داری و بزرگ زمین داری و "خان خانی" اعتماد خلق را به دست آوردند و اکنون در مقابل آواری از این تعهدات که بر سر خلق فروریخته، قرار گرفته‌اند، اینکه حاکمیت ج ۱۰۱۰ بسط هیچ یک، حتی به یلی از این تعهدات اعلام شده جاه عمل نپوشانده، نیازی به اثبات ندارد. سردمداران ج ۱۰۱۰ نه زمین به دهقانان داده‌اند، نه باری از دوش کارگران برداشته‌اند، نه مسئله مسکن را حل کرده‌اند و نه گرانی و احتکار را برطرف ساخته‌اند، نه حقوق دمکراتیک میسر دم و زحمتکشان را تأمین کرده‌اند و نه آزادی‌های دمکراتیک و قانونی پایمال شده را محترم شمرده‌اند، نه "سال قانون" را تثبیت کرده‌اند و نه به قانون شکنی پایان داده‌اند!

نه تنها بیسودی را ریشه کن نساخته‌اند، بلکه با ایجاد و تجدید و گسترده به تشدید بیسودی و کم سوادی جوانان بی‌پرویه جوانان روستائی و در رأس آنسان دختران روستائی دست زده‌اند.

نه تنها استقلال اقتصادی کشور را، که امپریالیسم و رژیم شاه با صنایع ممتاز و ارتباطات خانمان برانداز اقتصادی با کشورهای امپریالیستی بر یاد داده بود، ترمیم و تأمین نکرده‌اند، بلکه اکنون با توسعه این روابط خانمان برانداز، با باز- گرداندن سرمایه‌داران خارجی به عنوان شرکای غارت خلقهای میهن ما به ایران، به توسعه صنایع ممتاز خانمان برانداز پرداخته‌اند و حتی با نقب اصل ۸۱ قانون اساسی شرکت‌های مختلط غیر قانونی را - از جمله پتروشیمی ایران و ژاپن را - به حیات مجددی رسانده‌اند.

آری هدف این حاکمیت و پیرو تسلیم طلبان شرکت کننده در آن از سرگزار کردن این "شوهای" رسوا، پوشاندن این بی‌آبرویی و ورشکستگی سیاسی ای است که به آن دچار آمده‌اند!

از این رو، تصادفی نیست که حتی کلکهای در این "شوها" در باره نظرات حزب تسوده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، به میان آورده نمی‌شود! بی- جهت هم نیست، که پیشنهادها و برنا‌ه‌های ارائه شده از جانب حزب تسوده ایران برای نوسازی جامعه، به نفع زحمتکشان، موضوع هیچ نقق و سخنرانی و "بیاناتی" قرار نمی‌گیرد!

در واقع هم، در این زمینه چه می‌توانند بگویند؟! هر آنچه به نفع خلق، به نفع مردم، به نفع زحمتکشان شهر و روستاست که باید انجام گیرد، حزب ما گفته و در برنا‌ه‌های خود، تدوین و تثبیت کرده است.

اعتراض آقای سید احمد کاشانی، نماینده مجلس شورای اسلامی - که با حفظ سمت، سخننگوی سرمایه‌داران بزرگ هم هست به برنا‌ه‌های "طبقاتی" حزب تسوده ایران، به ویژه در زمینه "اقتصادی" خود گویای این واقعیت است.

اعتراف آقای نخست وزیر و دیگر دولت‌مردان ج ۱۰۱۰ مبنی بر این که "هر قدر می‌که به نفع مردم خواستیم برداریم، گفتند، کمونیستی است" (اطلاعات، ۲۷، ۲۸، ۲۹) نشانه دیگری از این واقعیت انکار ناپذیر است، که خدمت به خلق، تنها یک راه دارد و آن راهی است، که حزب تسوده ایران اعلام کرده و در راه اجرای آن، هزاران شهید و زندانی و تبعیدی در طول تاریخ خود داشته است.

پوش به حزب ما، محک سقوط حاکمیت ج ۱۰۱۰ در جای تاریخی ارتجاع است! از اینرو هم هست که یورش دشمنان و سرکوبگرانه به حزب ما، یورش خانثانسه به منافع زحمتکشان و به منافع ملی و به تعهدات ضد امپریالیستی انقلاب است!

از اینرو هم هست، که یورش به حزب ما به سرانجام عدول از شیوه‌های اصولی مبارزه، عدول از شیوه "بحث آزاد تلویزیونی" رسیده است که روزی انقلابیون راستین به آن تن دادند و امروز خاشاکان به اهداف انقلاب و پشت کردگان بی- رمق به منافع خلق، با ترک آن شیوه‌ها و انتخاب شیوه‌های سرکوبگرانه، ماهیت ارتجاعی خود را افشاء می‌کنند.

متحد شویم! در دفاع از انقلاب پیاخیزیم!

بقیه از صفحه ۱۰

سیاسی، اجتماعی و صنعتی از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌ایم. تلاشی که همواره با مخالفت و بدگمانی ویرانگرانه محافل حاکم مواجه بوده است. این گرایش بصورت مانع حضور واقعی مردم در صحنه و عامل عمده‌ای در تضعیف نیروی مادی انقلاب و خلق سلاح آن در برابر فشار بورژوازی و امپریالیسم تاثیر کرده است.

۳- خصمت ضد کمونیستی و ضد شوروی. این خصوصیت که همیشه یکی از برجسته‌ترین وجوه منفی در نیروهای خط امام بوده است اتحاد شوروی را در طراز امپریالیسم آمریکا و کمونیستها را در عداد

ساواکیها و دیگر عمال امپریالیسم قرار می‌داد. این گرایش علاوه بر اینکه در جهت محروم کردن انقلاب از عمده‌ترین پشتیبان و پشت جبهه انقلاب ما در جهان بوده است راه نفوذ اصلی عمال امپریالیسم در حکومت و شکلگیری ستون پنجم دشمن در قلب انقلاب بوده است. این خصوصیت مانع عمده‌ای در رشد و تقویت جنبه‌های مردمی و ضد امپریالیستی در نیروهای خط امام شده است. گرایش ضد شوروی، عامل عمده‌ای در در مانده شدن کشور در برابر بحران اقتصادی و فشارهای امپریالیسم به شمار می‌رود. امتناع حکومت از اتحاد خلل ناپذیر با اردوی جهانی انقلاب یک امتیاز بسیار بزرگ برای ضد انقلاب و بزرگترین نقطه امید بورژوازی برای برگرداندن مسیر پیشرفت انقلاب ایران بود. بقیه در شماره آینده

دولت خادم سرمایه داری

بقیه از صفحه ۱

بمنظور توجیه سیاست خود در حفظ "اقتصاد انگشت شماری که در زیر کلید دولت است و تیره آن از اتهام "پیروی از روشهای سوسیالیستی"، "مهد سرمایه داری" یعنی انگلستان را "الگو" قرار می دهد و با آخرین رقم خود می گوید:

"بهر حال باید بگویم در مقابل دهها هزار کالای مورد نیاز مردم، (که سرمایه داران، زیر سایه حکومت "دولت مستضعفان"، با خرید و فروش "آزاد" آنها، خون مردم را به شیشه کرده اند) اقلام انگشت شماری در زیر کلید دولت است و نیز خوشت آقایی که استدلال می کنند که این روشها سوسیالیستی و امثال آنهاست، نگاهی به شیوه برخورد دولت انگلیس، به عنوان مهد سرمایه داری در رابطه با کالاها در زمان جنگ، بیندازند و کنترل همه جانبه همه دولت‌های سرمایه داری درگیر جنگ را در رابطه با تولید و توزیع مطالعه کنند ..."

این سخنان افشاء کننده، بی پرده تر از آنست که نیازی به توضیح و تفسیر داشته باشد. در واقع آقای نخست وزیر، دیگر خود را نخست وزیر "مستضعفان" نمی داند و از آن جا که سرمایه داران نیز او را به نخست وزیری خود نمی پذیرند، چانه زدن و قسم و آیه خوردن و دست به دامان "سرمایه داری" شدن را به عنوان تنها راه ادامه حیات دولت خود، بر می گزیند و می کوشد با مطرح کردن "ضرورت های یک جامعه (سرمایه داری) در حال جنگ ..."، "نظر" بزرگ سرمایه داران را جلب کند تا بدین وسیله عمر دولت خود را طولانی تر سازد.

وضعیت بحرانی که توان

زحمتکشان را به تحلیل برده،

برای سرمایه داران بهشت است

آقای نخست وزیر در این صاحب خدود افشاگر، از "بحران بزرگی" سخن می راند، که گویا از زمان "آغاز حیات" دولت ایشان وجود داشته و اکنون پایان یافته است! "رفع بحران" در فرهنگ آقای نخست وزیر، باز گذاشتن دست غارتگران خلق، میدان دادن به "تروریست های اقتصادی" و سلاخی هزاران نیروی ضد امپریالیست معنی می دهد. به نظر ایشان، دیگر فشار طاقت فرسای گذران زندگی زحمتکشان، قانون شکنی و خفقان حاکم بر جامعه، تاراج منابع زیر زمینی میهن ما توسط سرمایه داران خارجی و غارت بی پرده کلان سرمایه داران، بازگشت فراریان و تصاحب مجدد زمین های تقسیم شده بین دهقانان و کارخانه های ملی شده، جنگ خانمان برانداز که روزانه زندگی جوانان ما را می بلعد و خانه های مردم زحمتکش را بر سرشان ویران می سازد، "بحران" قلمداد نمی شود! واقعا هم برای کلان سرمایه داران بحرانی وجود ندارد. آنها بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مسلط شده اند و تسلیم طلبان را به زانو در آورده اند و

از راه "لایحه حدود بخش خصوصی" به مجلس، به عنوان "قدمهای مؤثری" در راه تحقق اصل متری ۴۴ قانون اساسی صحبت کنند! در حالیکه خود او بهتر از هر کس دیگر می داند کینه مضمون این لایحه، چیزی نیست جز تشییع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بدون آنکه ولع این غارتگران خلق را تسکین دهد. آنها با این لایحه هم قانع و راضی نیستند!

آری، پستی و نداشت تسلیم طلبی و "به هر قیمت زنده ماندن" سرانجامی جز سقوط مرداب در بزرگی برای سرمایه داری ندارد. تصور آقای نخست وزیر (و دیگر تسلیم طلبان بی رمق همراه او) از آنکه هنوز "بر روی پل صراط نازک تراز موپران تراز شمشیر" در حال عبور به جامعه "عدل اسلامی" هستند، سرایی بیش نیست و حتی لغو خواست "تأمین آزادی برای انتخابات" - که وی در همین صاخبه بنه آن اشاره کرد - آقای نخست وزیر را مقبول سرمایه داران نخواهد ساخت!

فریاد اعتراض سازمانهای ...

بقیه از صفحه ۳

طنی فراخوانی، از کلیه نیروهای متری و د کمکرات هندوستان خواسته است که مبارزه خود را برای رهایی زندانیان توده های و سایر د کمکراتها از بند، تشدید نمایند.

همچنین نشریات متری دیگری، از جمله روزنامه "پاراپات" به تاریخ ۳ اکتبر (۱۱ مهرماه) روزنامه "سرامیک و پچال" به تاریخ ۴ اکتبر (۱۲ مهرماه)، روزنامه "ساکال" به تاریخ ۵ اکتبر (۱۳ مهرماه) و ماهنامه "کارمندان بانک استان مادیاپرادش، به چاپ مقالاتی در زمینه "حمایت از حزب توده" ایران و افشای جنایات حاکمیت ج ۱۰ در حق زندانیان توده های اقدام کرده اند.

آلمان فدرال

طنی برگزاری جلسه مشترک حزب کمونیست آلمان و "کمیته همبستگی ضد امپریالیستی" کارلسروهه، که در تاریخ ۱۷ اکتبر (۱۵ مهرماه) به مناسبت اعلام پشتیبانی از توده ایهای در بند و نیز کلیه نیروهای متری زندانی برگزار گردید، قطعنا های به تصویب رسید، که در آن ضمن محکوم کردن تزییقات و اعمال روشهای وحشیانه در مورد کمونیستها، فعالین جنبش کارگری و سایر انقلابیون پیگیر آزادی بلاد رنگ کلیه آنان درخواست شده است.

قطعنا سهس با نقل قول از گفتار سالوادور آلینده، رئیس جمهور خلقی قید شیلی مبنی بر اینکه: "جلوروندهای اجتماعی را با اعمال قهر و اختناق نمی شود سد کرد" تصریح کرده است که: "اکنون پس از گذشت ده سال از دوران وحشیگری فاشیستی، شب تیره شیلی به صبح نزدیک شده است و خائنین به مردم و پبه انقلاب ایران، بهتر است از تجربه شیلی درس عبرت بیاورند."

مطیع خود ساخته اند، دستگاه های تزییق و فشار بر مردم را در اختیار دارند، قانون شکنی و اوباشی گری مطبوعاتی و اجتماعی را به شیوه عمل خود بدل ساخته اند. نه حق برای دگراندیشان - حتی مسلمان - قائلند و نه پای بند قوانین و اخلاقند، ایران را به دست ضیا الحق کودتاجی و کودتاچیان فاشیست ترکیه بسدل ساخته اند و برای سرکوب جنبش آزاد بینش در پاکستان، به یاری دست نشاندگان امپریالیسم می شتابند و به منظور براندازی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی افغانستان، هماهنگی با امپریالیسم "میلیاردها تومان" به صرف می رسانند، با کشورهای امپریالیستی، "بهترین" روابطی ما بین را سازمان می دهند و جمهوری اسلامی ایران را به یک حلقه محکم در سیاست "جنگ صلیبی" ضد شوروی و ضد توده ای امپریالیستی بدل کرده اند، با دامن زدن به تشنج در منطقه آب به آسیاب سیاست نظا میگری امپریالیسم در منطقه و جهان می ریزند و برای امپریالیسم آمریکا وسیله دخالت مستقیم نظامی در خلیج فارس را تدارک می بینند! البته و صد البته برای این نیروها، "بحرانی" وجود ندارد و روند سقوط انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به دامن امپریالیسم و ارتجاع خشنود کننده و آرایش بخش است!

اما آقای نخست وزیر، آیا برای زحمتکشان میهن ما هم وضع به همین منوال است؟ آیا آنها هم اوضاع ایران را بدینگونه ارزیابی می کنند؟

مسخ قانون اساسی تحت عنوان اجرای آن

آقای نخست وزیر، مزرانه در مقابل سووال خبرنگار روزنامه در باره اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی مدعی می شود، که دولت "قدمهای مؤثری" در راه اجرای آن برداشته است و بی هیچ شرمی، تسلیم در برابر لغو عملی اصل متری ۴۴ قانون اساسی را، توسط نمایندگان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که از جمله در رد قانون بازگانی خارجی دولتی توسط شورای نگهبان تبلور می یابد، "فروموش" می کند و از آن دم می زند، که دولت با "تقدیم لایحه حدود بخش خصوصی" به مجلس، در راه اجرای اصل متری ۴۴ قانون اساسی "قدمهای مؤثری" برداشته است!

اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی اقتصادی را بخش عمده اقتصاد ۱۰۱۰ تعیین کرده است، که گوشه ای از آن "بازگانی خارجی دولتی" است. بخش مهم دیگر این اصل - قسمت دوم - به بخش تعاونی اقتصاد اختصاص داده شده، در حالیکه "بخش خصوصی"، به عنوان مکمل بخش دولتی و زائده آن اعلام می شود. آقای نخست وزیر "دولت مستضعفان" به خود این اجازه گستاخانه را می دهد، که در صاحب اختصاصی خود، بمناسبت آغاز سومین سال حیات دولتش



پنتاگون خود را برای حمله به میهن پرستان لبنان آماده می کند

تاس، خبرنگاری اتحاد شوروی، طی اعلامیه ای در مورد لبنان اطلاع می دهد که اظهارات مقامات رسمی آمریکا، از جمله رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع، حاکی از آنست که دولت آمریکا قصد دارد عملیاتی در مقیاس گسترده علیه نیروهای ملی و میهن پرستان لبنان شروع کند تا ضربات نیرومند بر آنان وارد آورد. ایالات متحده آمریکا، با پیشروی در امور مربوط به خلق لبنان مداخله می کند و بدین ترتیب حق حاکمیت و استقلال لبنان را نقض و عدم توجه خود را به قواعد پذیرفته شده زندگی بین المللی و همچنین منشور و اصول سازمان ملل متحد نشان می دهد.

ایالات متحده، چندی پیش قرار داد رهازنانه و ضد عربی ای را به دولت لبنان تحمیل کرده که مورد اعتراض اکثریت اهالی و دیگر کشورهای عربی قرار گرفت. و اینکه درصد دست نیروهای میهن پرست و مترقی منطقه را از صحنه خارج کند تا دیگر کسی نتواند علیه اشغال کشور، توسط اسرائیل و سرمایه داران آمریکائی مبارزه کند.

سیاست مداخله گرانه ایالات متحده در لبنان، چه آنچه که تا به حال اجرا شده و چه آنچه که در دست اجراء است، بخشی از شی کلی تجاویز و نظا میگرانه دستگاه کنونی اداری و اشتگتن است که تروریسم را به صورت سیاست دولتی در آورده. جنبه رهازنانه این سیاست را در حمله بی جهت و بدون دلیل علیه دولت صلح دوست و غیر متعهد گراندا بخوسی می توان مشاهده کرد.

کوشش آمریکا، برای تحمیل نظم دلخواه

خود به کشورهای دیگر از طریق کارپرد نیروی قهر و جانشین کردن قوانین و حقوق بین المللی با تجاویز و ویرانگری می تواند بی آمدهای بسیار جدی نه تنها برای خلقهای دیگر، بلکه برای خود ایالات متحده در برداشته باشد.

اعلامیه حزب کمونیست فیلیپین

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، اعلامیه ای منتشر کرده که در آن ناپسامانی اوضاع اقتصادی کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این سند گفته می شود در لحظه کنونی اقتصاد فیلیپین گرفتار بحران عمیقی است که به همراه خود تشدید وابستگی به سرمایه های خارجی، کاهش رشد تولیدات صنعتی، صعود بی بند و بار قیمت ها و نرخ بالای تورم را موجب شده است. در این اعلامیه آمده است:

"سیاست تحمیلات آشکار از جانب آمریکا - لیسم، توسط دو بانک زیر نفوذ آمریکا، بانک بین المللی بازرسازی و گسترش و صندوق بین المللی پول تحقق می پذیرد.

دخالت های این دو ارگان امپریالیستی در فیلیپین، تنها به دست آوردن سودهای هر چه بیشتر را توسط انحصارات چند ملیتی دنبال می کند.

این امر منجر به تحکیم نظام نواستعماری در اقتصاد، توجه به سوی تولید مواد خام برای صادرات در کشاورزی و گسترش صنایع مونتاژ زیر فرمانروائی مطلق انحصارات خارجی و به ویژه آمریکائی و ژاپنی می شود.

در بانک فوق الذکر برای ایراد فشار بر فیلیپین از میزان عظیم بدهی های خارجی کشور که سر به ۱۸ میلیارد دلار می زند، سوء استفاده می کنند و پیوسته شرایط دشوارتری را تحمیل می نمایند.

حزب کمونیست فیلیپین در اعلامیه خود پیشنهاد می دند که تدابیر جدی در جهت کنترل موثرتر دولت در رشته های اصلی اقتصاد ملی و محدود کردن فعالیت سرمایه های خارجی در کشور اتخاذ شود و در زمینه قیمت ها، به سود قشرهای وسیع صرف کننده تجدید نظر به عمل آید.

امپریالیسم، شمارش معکوس...

بقیه از صفحه ۱۱

بیش از پیش سهل هبای بازگشت به دامان انقلاب و خلق را ویران می سازد، پادار به جبهه سایی هر چه بیشتر در برابر امپریالیسم خواهد کرد، و چگونه ارتجاعی ترین نیروهای ضد انقلابی ایران را به تدارک نهایی برای تسلط همه جانبه بر انقلاب و استقرار کامل استبداد وابسته به امپریالیسم تشویق خواهد نمود.

اما يك نکته از پیش روشن است و آن اینکه در ایران نیز، همچون لبنان و سوریه و گرنادا و نیکارا گوته و... "خرف آخر" را مردم خواهند گفت. مردمی که می دانند هدف جنگ - افروزی توسعه طلبانه راستگرایان و تسلیم طلبیان چپ، نه دفاع از منافع واقعی آنان، بلکه زیر پا گذاردن هر چه بیشتر خواست های انقلابی زحمتکشان است.

نامه خوانندگان

رفیق م ک. نامه شما رسید. ما نظر شما را تأیید می کنیم که فقط و هواداران حزب در خارج از کشور، از تمام امکانات خانوادگی و دوستی برای رساندن نظرات سیاسی خود و تشکیلاتی کمیته برون مرزی به رفقا و هواداران حزب در ایران استفاده کنند و بویژه به مسئله لزوم پایبندی به عدم تمرکز تشکیلاتی به آنها هشدار دهند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در ولز (بریتانیا) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH
No. 67
Friday, 11 Nov. 83

راه تووه

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:
West-Germany 1 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.

England	30	P.
Belgium	22	Fr.
Italy	600	L.
U.S.A.	40	Cts.
Sweden	3	Skr.

برای آبنه شدن "راه توده" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراك) به آدرس پستی زیر ارسال نمایند:

حساب بانکی: **Postscheckamt**
6000 Frankfurt
Konto Nr. 633 97 - 602
Bankleitzahl 50010060

آدرس پستی: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

بهای اشتراك:

سه ماهه	<input type="checkbox"/>	معادل ۲۵ مارك
شش ماهه	<input type="checkbox"/>	۵۰
يكساله	<input type="checkbox"/>	۱۰۰

آدرس: